

دانستن سطح متغیر کشت کوکنار در افغانستان: شواهد از کار ساحوی

خلاصه

افزایش یا کاهش کشت کوکنار در ولایات و ولسوالیهای مختلف

محتویات

1. افزایش سطح کشت، گرایشات متفاوت در ولایات
2. حکایاتی از چهار ولایت
3. بسوی پالیسی مبتنی بر شواهد
4. تاثیرات بر پالیسی
5. راه های پیشرو

دیوید مینسفیلد یک متخصص انکشاف در محیط مواد مخدر با 16 سال تجربه در کشور های که در آن مواد مخدر یک منبع عایداتی است، میباشد. نامبرده برای 10 سال روی نقش مواد مخدر در استراتژی های معیشت روستائی افغانستان، تحقیق نموده است.

آدم پین در پوهنتون انگلیای شرق بریتانیا در دیپارتمنت مطالعات انکشافی، منجیث محقق و همچنین منجیث استاد در پوهنتون سویدن در دیپارتمنت علوم زراعتی اجرای وظیفه مینماید. وی برای مدت 15 سال در منطقه هیمالا بالای مسایل معیشت روستائی تحقیق و مطالعه کرده است.

افغانستان به عوامل متعدد وابسته است که بخوبی شناسائی نشده اند. کاهش کشت کوکنار اکثراً به تعهد سیاسی مقامات ولایتی و منطوقوی و به نقش کمپاین های آگاهی منسوب میشوند، در حالیکه پدیده اصلی و تحریک اقتصادی که ناشی از این تغییرات میشوند کمتر مورد توجه قرار میگیرند. ادعا های موفقیت کاهش در کشت کوکنار در ساحات که تحت پوشش کشت کوکنار قرار دارند، در جریان سال 1386 در بعضی مناطق ناکام به توضیح چگونگی ایفای نقش خانواده ها در راستای جاگزینی کوکنار در اقتصاد خانواده شده است.

در ولایت شمال شرقی بدخشان، کاهش عمومی در ساحات تحت کشت کوکنار نشان میدهد که کاهش کشت کوکنار عملی بوده میتواند، در صورتیکه شرایط درست اقتصادی وضع گردد. لیکن این پیروزیها در ساحات که دسترسی خوب به مارکیته دارند به پیمانیه زیاد محدود است. در ولایت غور، جائیکه خطر کمبود مواد غذائی بلند است، عوامل مانند محصول کم، قیمت پائین تریاک و روزمزد گزاف کارگران، باعث بلند بردن هزینه کشت کوکنار شده که دهاقین را بدون عکس العمل دولت علیه کشت کوکنار سوق میدارند تا اراضی کمی را برای کشت کوکنار اختصاص دهند. در ولایت شمالی بلخ، کاهش سریع کشت کوکنار در ساحات کشت شده در نتیجه اعمال فشار نسبت به مادیات بوده است، اگرچه قیمت پائین مواد مخدر نیز شاید سبب کاهش تمایل دهاقین برای کشت کوکنار شده باشد. سرانجام، در شرق افغانستان در ولایت ننگرهار، نزول سریع کشت کوکنار در ساحات کشت شده که در سال 1384 واقع شد، دوامدار ثابت باقی نماند.

دانستن تغییر سطح کشت کوکنار در افغانستان، نیاز به شناسائی نقش چند فعالیتی کشت کوکنار در معیشت خانواده های روستائی افغان دارد. اکثریت نفوس روستائی

وسیله مناسب، انجام میدهند. این قدرتمندان کلیدی با استفاده از ترکیب اعمال فشار، معاملات با قانون شکنان منطقوی و تاجران، و تعهدات در عرصه کمک توسعه بعدی، قادر به کاهش موقتی کشت کوکنار هستند. بلخ آخرین ولایتی است که بخاطر نایل شدن به کاهش سمبولیک یا نمایشی زمین های که برای کشت کوکنار اختصاص داده شده اند از این میتود استفاده کرده است. تا بحال تجارب سال 1384 و 1386 در ننگرهار و دیگر ولایات نشان میدهد که همچو کاهش در کشت کوکنار، موقتی بوده است. بلاخره، کاهش در درآمد و دارائی هایکه خانواده ها در نتیجه کاهش نمایشی کشت کوکنار تجربه میکنند، وضعیت را بسوی یک تغییر و بحران سیاسی میکشانند. هنگامیکه تعداد زیاد خانواده ها به این بحران اقتصادی مواجه شوند، سیاست پردازان بدون در نظرداشت نفوذ و پشتوانه قدرت خارجی شان یا به افزایش سطح کشت کوکنار تن میدهند و یا اینکه به کاهش قدرت سیاسی یا از دست دادن زندگی شان میگردد.

به هر حال، این کاهش نمایشی کشت کوکنار اگر در مدت کوتاه تحمیل شود، برای قدرتمندان عمده یک حالت برد یا کامیابی به حساب میرود. رهبری سیاسی یک ولایت یا ولسوالی علیرغم شرایط حاکم اقتصادی که اکثراً فراموش شده است و یا مورد بحث قرار نمیگیرند، میتوانند برای کاهش کشت کوکنار، امتیاز حاصل کند. بدینگونه رهبران سیاسی امکان دارد هم از طریق جامعه بین المللی و هم از طریق دولت مورد تحسین قرار گیرند، و حتی با سرازیر شدن کمک های انکشافی به آن منطقه شان، امتیازات سیاسی و حمایت مردم خود را حاصل نمایند. این قدرتمندان در صورتیکه کشت کوکنار دوباره آغاز شود یا افزایش یابد، جامعه بین المللی و حکومت افغانستان را در ارایه خدمات اقتصادی و انکشافی به موقع در آن ساحه، به ناکامی و بی کفایتی متهم مینمایند.

کاهش کشت کوکنار و تریاک سبب کاهش عواید میشود و سازمان های انکشافی که درین زمینه فعالیت میکنند قادر نیستند تا در یک مدت زمان کوتاه به اندازه کافی فعالیت های اقتصادی را براه بیاندازند تا خسارات که در اثر کمبود عواید و دسترسی به دارائی که در نتیجه کاهش کشت کوکنار به بار میاید، برآورده سازند. فعالیت های انکشافی و توسعه وی به چندین سال نیاز دارد زیرا ممکن نیست تا در یک فصل سال عواید و خدمات عامه را گسترش داد.

اصطلاحات مهم:

خطر: صدمات یا خطرات احتمالی که ممکن سبب شود تا خانواده ها آسایش خود را از دست بدهند. این ممکن توسط حادثات طبعی، تغییر مکرر سطح قیم و اعمال عمدی و یا غیر عمدی دیگران اتفاق افتد و سبب به مخاطره کشانیدن رفاه و آسایش مردم چی از نظر مادی، اجتماعی و یا عاطفی گردد.

ناامنی: نبود مصئونیت در برابر خطرات، که فقط محدود به مصئونیت فزیکمی نمی باشد و بیشتر بشکل ناامنی بشری و معیشتی نیز قابل مشاهده میباشد.

غیررسمی: مشاهده هر چیزیکه توسط دولت تنظیم نشده باشد. اگرچه این به معنی نبود مقررات نیست، در حالیکه وسایل غیردولتی زیادی برای کنترل وجود دارد.

رفاه و آسایش: حالت که خوشنودی و سطح ضروریات مادی، اجتماعی و عاطفی خانواده ها را برآورده سازد.

افغانستان تحت شرایط شدید خطر و نا امنی زندگی میکنند، و آسایش و مصئونیت خود را بطور ابتدائی و بشکل غیررسمی بدست میآورند. کوکنار - یک محصول با خطر کم در یک محیط پُر خطر، در واقع یک میکانیزم بحرانی را ایجاد کرده که از طریق آن بسیاری خانواده ها قادر شده اند تا به مصئونیت و آسایش دسترسی پیدا کنند. هرچند این میکانیزم غیررسمی دهاقین فقیر را در روابط عمیق و کیل - موکل که توسط سلسله مراتب و نامساوات قدرت علامه گذاری میشود، میندد. قدرتمندان کلیدی با فراهم نمودن حمایت و مصئونیت به یک بها هم در داخل و هم در خارج حکومت به سطح ولسوالی و ولایت در نتیجه تجارت "کشت کوکنار" را منجیث یک

پیشنهادات پالیسی

- تلاش برای مبارزه علیه مواد مخدر باید زمینه را که طرز برخورد دهاقین را تعیین میکند مورد هدف قرار دهد. روش های که برنامه ریشه کنی زرع کوکنار را اولویت میدهد، و فقط طرز برخورد تعداد اندکی از دهاقین را مد نظر داشته باشد و زمینه کلی تغییر نیابد، فکر نمی شود که چنین تلاشها تاثیرات دایمی و موثر در راه مبارزه علیه مواد مخدر باشد.
- لازم است تا دانسته شود که باید تغییرات چشم گیر در راستای زمینه کلی که تعیین کننده برخورد خانواده ها درین باره است، رونما شود - قبل از اینکه هر نوع تغییر در فعالیت های کشت و کار و دیگر معیشت خانواد ها رونما گردد تا به عنوان یک "موفقیت" تلقی گردد.
- برای دانستن عوامل که در عقب تغییر سطح کشت کوکنار وجود دارد، گسترش تلاش بیشتر در ارتقای آگاهی دقیق ضروری میباشد. این به یک تحلیل قوی چندین بُعدی که طبیعت احتمال خطر و چگونگی عکس العمل به آنرا تغییر میدهد، نیاز دارد.
- در برنامه های مختلفی که جهت پاسخدهی در برابر کمبود درآمد ها از ناحیه ریشه کنی و ممنوعیت کشت کوکنار بوجود آمده، طرح ریزی شده اند، دلایل ساختاری و بنیادی که در عقب رشد کشت کوکنار و تریاک وجود دارد، را در بر نگرفته است. تغییرات بنیادی بیشتر نیاز است تا در کاهش زمینه خطر و ناامنی منافع عامه که بوسیله تامین زیربنای فزینگی و اجتماعی فراهم میگردد، عوامل ساختاری فقر را از قبیل گسترش منفعت طبقه فقیر در زراعت و سکتور روستائی بی زمین نشاندهی و مد نظر داشته باشد. و
- طرح برنامه های بدیل معیشت حتماً باید خانواده های روستائی را که دسترسی کمتر به زمین های زراعتی آبی دارند و گاه گاهی از درک زراعت عوایدی بدست می آورند، به شکل بهتر مورد هدف قرار دهند.

عدم موجودیت فعالیت های موثر اقتصادی که از کشت تریاک بدست میآید و دسترسی به اموال شود و مصئونیت و رفاه و آسایش مردم را تامین نماید، اهالی روستائی روش دیگری را پیش گرفته اند تا انزجار خود را در برابر تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر، نشان دهند. این شکایات و ناخرسندی ها با عدم رسیده گی به اولویت های آنان مانند تامین امنیت، استخدام و کاهش فساد اداری افزایش یافته است، و اینکه جامعه بین المللی و حکومت عمدتاً به رفع مشکل غرب از بابت مصرف مواد مخدر ذریعه ویرانی زمین های زراعتی دهاقین افغان میپردازند و ازین طریق عواید و رفاه و آسایش آنان را از بین میبرند. این اتهامات، سبب افزایش سوالات راجع به اولویت های جامعه بین المللی و حکومت افغانستان شده است.

این نظر که حکومت افغانستان مایل است تا فقر مردم روستائی را بیشتر سازد و در عوض کشت کوکنار و تریاک را از میان بردارد، نیز باعث خشم مردم شده است، و اینکه کسانی که آنان را از کشت کوکنار منع میکنند خود در تجارت تریاک فعالانه کار میکنند، اوضاع را وخیم تر ساخته و بر علاوه درک از سطح بلند ارتشاً و اینکه این ممانعت فقط بالای مردمان آسیب پذیر تحمیل میشود نه بر کسانی که قدرت و نفوذ دارند، این مسئله را هرچه بیشتر پیچیده تر ساخته است. چنین نظریاتی، باعث شده تا بعضی از حلقات نفوس روستائی از حکومت و دیگران رو گردانند و بصورت آشکار ابراز مخالفت کنند. بگونه مثال، در ولایت ننگرهار نشانه های وجود دارد که دهاقین با حکومت مخالفت دارند و در عوض به فکر حمایت و پشتیبانی از شورشیان ضد دولتی، میباشند.

در آغاز موسم کشت و کار سال 1386 شواهد نشان میدهد که برای جلوگیری از خرابی بیشتر وضع ناامنی در ساحات روستائی افغانستان لازم است تا توازن دقیق بین کاهش کشت کوکنار، اقدامات امنیتی، حکومتداری و رشد اقتصادی، مد نظر گرفته شود. از همه مهمتر اینکه، تلاش های مبارزه علیه مواد مخدر نباید زیربنای اهداف اساسی و دراز مدت "یک افغانستان مرفه و باثبات" را از بین ببرد.

1. بالا رفتن کشت در سطح ملی

تمایلات مختلف در ولایات

آن بی قانونی مروج است و در ولایات با امن ولی بسیار فقیر شمال و مرکز، از هم متفاوت میباشند. کاهش کشت کوکنار در ولایات شمال را به "رهبری، تشویق ها و امنیت"¹ منسوب میدانند. آیا این توضیح کافی برای تغییر تحریک سطح کشت کوکنار میان ولایات و مناطق مختلف، بوده میتواند؟ اگر بلی، آیا تأکید بر تغییر ذهنیت دهاقین البته از طریق نمایش خطرات احتمالی و واداشتن آنها به توافق به عدم کشت کوکنار، باعث شده تا در باره مسایل وسیعتر که بالای برخورد آنان درین زمینه تاثیر دارد، غفلت شده است؟

سطح کشت کوکنار به اساس انواع دلایل مغلق و مرتبط بهم که اکثراً ناچیز شمرده شده اند، افزایش و کاهش یافته است. در عوض، در جاییکه کاهش سطح کشت کوکنار سال به سال موفق گردد، این موفقیت ها به تعهد مقامات ولایتی و منطقوی و به نقش فعالیت های مبارزه علیه مواد مخدر و استراتژیهای اطلاعاتی به ساده گی منسوب میگردد. توجه اندک به اینکه چگونه و به چه اندازه خانواده ها به محصول دیگر که قبلاً بجای کوکنار بکار میرفت در رشد اقتصاد خانگی بکار برده اند، داده میشود. توجه بسیار کمی به احتمال استحکام خروج از کشت کوکنار داده میشود: یا تحمیل گردیده و موقتی میباشد، یا جهت کاهش ناامنی که شیوه های افراد روستائی را تعیین میکند، بیشتر محتمل به مدت طولانی است.

این گزارش مختصر تغییرات دراز مدت سطح کشت کوکنار را در سراسر چهار ولایت ارزیابی میکند. این تحقیق را که وسیعاً تحت توجه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در ولایت غور، ننگرهار و بلخ انجام شده و تحقیق کار ساحوی که توسط این اداره و شبکه انکشافی آغاخان در ولایت بدخشان انجام گردید، را بالای طول البلد عمیق جغرافیائی مجسم میسازد. این بررسی میکند که چی باعث ازدیاد و کاهش در کشت کوکنار و تاثیرات آن بالای خانواده های روستائی میشود. برعلاوه، اینکه این شاخصها راجع به شیوه های فعلی و آینده مبارزه علیه مواد مخدر چه چیز را هویدا میسازد، مورد بررسی قرار میدهد.

در گزارشی که از طرف دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر بر اساس سروی کشت کوکنار در سال 2007 میلادی، انتشار یافت آمده است که در فصل کشت 1386 193,000 هکتار زمین در افغانستان کوکنار کشت شده است. این رقم 17 فیصد افزایش را به مقایسه 165,000 هکتار زمینی که در سال قبل از آن کشت شده بود، نشان میدهد. و به مقایسه سال 1385، تقریباً دو برابر آن میباشد، در آن سال 104,000 هکتار زمین در سراسر کشور، کوکنار زرع گردیده بود. معلومات غیر متراکم نشان میدهد که کشت کوکنار در ولایات جنوبی هلمند، کندهار، ارزگان، دایکندی و زابل، افزایش یافته است. این پنج ولایت به تنهایی پاسخگوی 69 فیصد تمام زرع در سال 1386 میباشد که بالاتر از 61 فیصد در سال 1385 است. هرچند کشت کوکنار در ولایت هلمند صعود مینماید که عمدتاً با افزایش ناامنی ها ارتباط دارد که در پهلوی آن افزایش کشت کوکنار در ولایت ننگرهار البته پس از دو سال که کشت کوکنار بسیار کاهش یافته بود به یک موضوع نگران کننده تبدیل شده است.

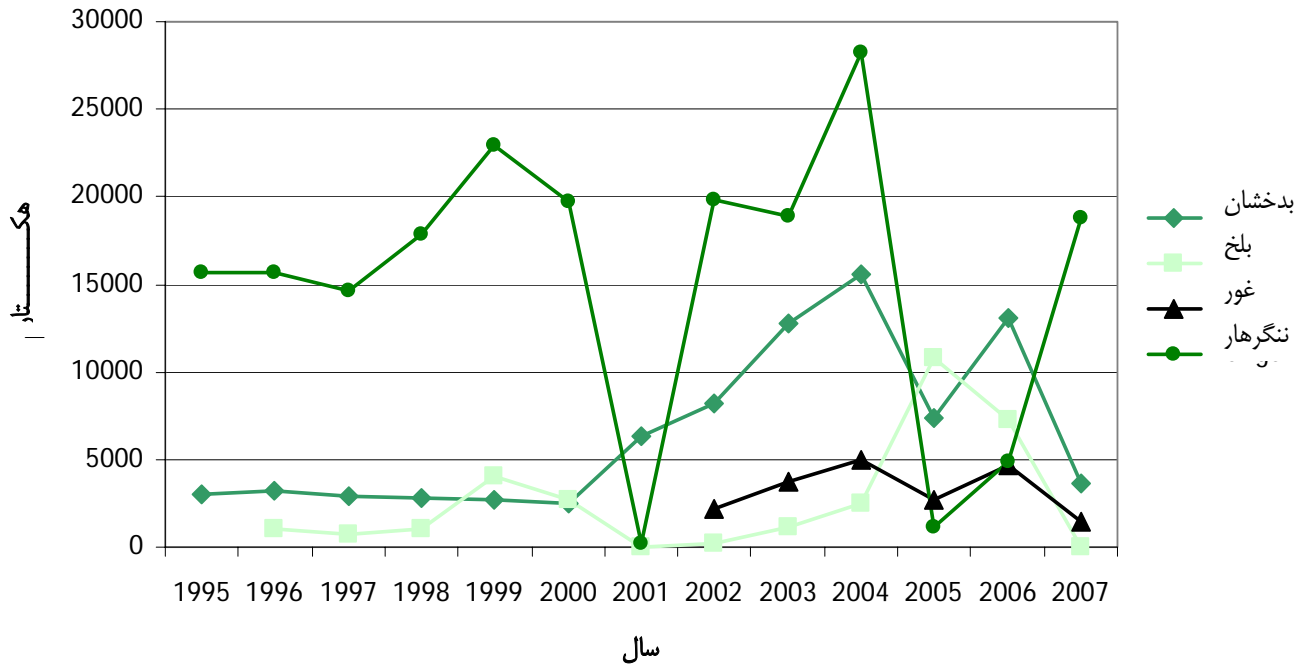
افزایش کشت کوکنار در سمت جنوب بطور چشمگیر از کاهش آن در ولایات شمال، شمالغربی و مرکزی فرق مینماید. ولایت بدخشان که تاریخ طولانی در عرصه کشت کوکنار دارد و بعد از سال 2001 میلادی تولید کننده بزرگ کوکنار شد، در میان سال 1385 و 1386 72 فیصد کاهش را در کشت کوکنار متقبل شد. جالبتر از آن، در ولایت بلخ که در سال 1385 تقریباً 7,232 هکتار زمین کوکنار کشت گردیده بود، در سال 1386، این کشت به صفر تقرب نمود. نظریات متفاوتی درین رابطه وجود دارد، بخاطر بدست آوردن همچو نزول و احتمال دوام آن میتودها تحت آزمایش خاص بکار میروند. پایین آمدن سطح کشت کوکنار در ولایات شمالغربی و مرکزی نیز توجه را بخود جلب کرده است و موسسات امدادی و کنترل مواد مخدر که درین مناطق فعالیت دارند، به این فکر اند که چگونه همین کاهش کشت را پایین حفظ نمایند.

سروی تریاک در افغانستان که در سال 86 هجری شمسی انجام یافت، نشان میدهد که تفاوتهای اساسی از نظر کیفی، در قسمت کاهش کشت کوکنار در شمال و افزایش آن در جنوب افغانستان وجود دارد. این تفاوت های چشمگیر در خصوص سطح "فساد و حرص بلند" در جنوب افغانستان که در

¹ دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر حکومت افغانستان، سروی تولید تریاک در افغانستان در سال 1386: خلاصه اجرایی (سال 1386، ه. ش) ص

2. حکایاتی از چهار ولایت

شکل: سطح کشت کوکنار در ولایت بدخشان، بلخ، غور و ننگرهار در سالهای 1374 - 1386 هجری شمسی



منبع: دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم/وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، سروی تولید تریاک در افغانستان در سال 1386 ه. ش: خلاصه اجرایی (سال 1386 ه. ش).

در آن مناطق ننگرهار که توسط دریا‌های کابل و کنر آبیاری میشوند، زرع دوباره کوکنار میتوان موفق گردد و محصول زراعتی به پیمان‌ه گسترده در رودخانه دریای اساسی این ولایت به شمول درختان لیمو و زیتون کشت میشود. این مناطق از مجاورت با وسایل مناسب کشاورزی و بازار کارگران مرکز ولایت جلال آباد نیز بهره میبرند. در مناطق دیگر که بالای جریان نهرهای فصلی یا سیستم آبرسانی زیر زمینی مانند کاریزها³ متکی هستند، کمبود آب بسیار عادی و زمینداری بسیار محدود میباشد. خشک سالی بالای این مناطق در اواخر دهه 1370 و اوایل قرن جدید تأثیر قابل ملاحظه داشت. این جایست که کشت کوکنار در آن به ویژه در داخل ولایت بسیار متمرکز شده بود، و جاییکه نفوس آن بسیار وابسته به محصول زراعتی هستند تا ضروریات اساسی اولیه ایشانرا برآورده سازند.

ارقام بالا تغییر سطح کشت کوکنار را در چهار ولایت مطالعه شده در مدت سالهای 1995 الی 2007 میلادی توضیح میدارد. بویژه بعد از سال 2001 میلادی تغییرات کشت در داخل ولایات و مقایسه میان این چهار ولایت چی را روشن میسازد؟

نگرهار: رشد اقتصادی و بحران سیاسی²

ولایت ننگرهار در سرحد غربی با پاکستان واقع است. این ولایت با ولایت لغمان و کنر در سمت شمال، کابل و لوگر در سمت غرب و پکتیا در سمت جنوب مجاورت میکند. ننگرهار یکی از ولایات پرنفوس افغانستان است که در حدود 1.8 میلیون نفوس دارد. این ولایت دارای اقلیم نسبی گرمسیر با زمستان ملایم (به استثنای ساحات کوهی) و تابستان گرم میباشد.

² به اساس کار ساحوی که توسط مینسفیلد در سال 1386 در افغانستان انجام یافت (گزارش آن در سال 1386 نشر خواهد شد)

³ کاریز عبارت از تونل زیرزمینی میباشد که از منبع آب سرچشمه گرفته و سرانجام به سطح زمین میرسد.

علت افزایش مجدد کشت کوکنار در ننگرهار عمدتاً با رشد افسردگی اقتصادی که تحریم بالای کشت را در جریان سال 1384 و 1385 با خود داشت، همگام بوده است. در این موسم زرع، دهاقین در بسیاری از ولسوالیها بیشتر کوکنار را با گندم تعویض کردند، که منجر به کمبود درآمد خانگی خود - تامین در هنگام که فرصتهای کاری زراعتی و غیر زراعتی که در اثر نزول کشت کوکنار نیز کاهش نمود، شد. اندازه کوچک زمینداری و تراکم بیشتر نفوس در این مناطق باعث شده تا تعداد محدود دهاقین از مدرک گندم خود کفا باشند، آنها بطور مشخص نیاز دارند تا محصولات خود را بفروش برسانند یا کار کنند تا ضروریات اولیه ایشانرا برآورده سازند.

شواهد، یک توسعه با کمیت بلند تولید سبزیجات در ولسوالیهای همجوار جلال آباد را نشان میدهد. هرچند، چنین پیشرفت در این ولسوالیها به علت دسترسی محدود به مارکیته و مشکلات انتقال محصولات امکان پذیر نبوده. در جریان سالهای تحریم، عدم موجودی کوکنار و دسترسی محدود به عواید غیر زراعتی، بسیاری از خانواده ها را به فروش ملکیت های سودمند دراز مدت و قرض انباشته شده دچار ساخت. بنأ بر این، در سال 1386 خانواده ها در ولسوالیهای دور دست ولایت ننگرهار راه های محدود جز کشت کوکنار به عنوان وسیله پرداخت دوباره قروض گزاف و جبران برخی از زیان عواید و ملکیت های از دست رفته ایکه آنها متقبل شده بودند، داشتند.

بدون تعجب، مشکلات اقتصادی به افزایش آشوب سیاسی منسوب شده اند. شواهد از ساحه افزایش تنقید عوام را نسبت به آغاز تحریم بالای کشت کوکنار و رنجش را که ولایت ننگرهار یکی ازین ولایات بود، جاییکه این همه تحمیل گردید، آشکار میسازد. در جریان موسم کشت سال 1386 اقوام شینواری، خوگیانی و مومند صریحاً مخالفت کردند تا سطوح پائین کوکنار را برای سال سوم متحمل شوند و بسیج تحمل و تاب آوری را ساده دریافتند. بسیاری از ریشه کنی محصولات در نخستین مراحل موسم زرع سال 1386، که عمدتاً بسیاری از مناطق قابل دسترس که توسط کانال ننگرهار آبیاری میشد، مورد هدف قرار میداد - طوری ظاهر میشد که بدون کدام گفتگو با اقوام و یا وکلای قریه تحمیل شده باشد. این در ماه های فبروری و مارچ سال 1386، در افزایش نا آرامی ها آغاز کرد. در حالیکه تظاهرات در بسیاری نواحی دور دست ولایت - در ولسوالیهای مانند پچیر و اگام، اچین و نازیان - غیر معمولی نیستند، در سال 1386 در مناطق پائین افتاده مانند بتیکوت و سنوار که تاریخ کم از اعتراضات دارند، ناآرامی مکرراً افزایش یافت.

ریشه کنی بعداً در موسم کشت سال 1386 با ادعا های گسترده فساد، بویژه در ولسوالیهای شینوار، بتیکوت، مومنددره و خوگیانی وابسته بود. ادعا هاییکه دهاقین میتوانند از تخریب محصولات ایشان توسط پرداخت

به تعقیب 96 فیصد کاهش در سطح کشت کوکنار در بین موسم زرع سالهای 1384 و 1385، ولایت ننگرهار بحیث منعکس کننده موفقیت کنترل مواد مخدر مورد تحسین قرار گرفت. این کاهش چشمگیر توسط مجموعه از متقاعد سازی، فشار و تعهدات امدادی و انکشافی موفق گردید. رئیس جمهور افغانستان کرزی که انتخابات اش در سال 1383 توسط اکثریت مردمان ننگرهار حمایت شده بود و حاجی دین محمد والی اسبق ولایت ننگرهار، سرمایه قابل ملاحظه را جهت متقاعد ساختن مردم ننگرهار برای تن دادن به تحریم ها و آغاز جهاد علیه مواد مخدر، انجام داد که مسؤلیت تطبیق موانع به ولسوالان و قوماندانان امنیتی سپرده شده بود.⁴

سطوح پائین کشت در سال 1385 میلادی پیهم به همان منوال پائین باقی ماند. گرچه علامات فشار اقتصادی قبلاً وجود داشت و در جاهائیکه خانواده ها وسایل کم برای زنده گی داشتن، بخاطر معیشت شدیداً متکی به حاصل کوکنار بودند و جائیکه همبستگی⁵ قومی بزرگتر وجود داشت، برای مقامات دولتی این مشکل بود تا وضع تحریم را نگهداری کنند. در موسم زرع سالهای 1386 میلادی، کوکنار به بسیاری نقاط ننگرهار همراه با تخمیناً ۱۸۷۳۹ هکتار زمین کشت شده که 285 فیصد افزایش در مقدار زمین که برای اضافه تر از 12 ماه غرض کشت کوکنار تخصیص داده شده بود و تقریباً با 1,650 فیصد ازدیاد بعد از سالهای 1385 بازگشت نمود. ولایت ننگرهار با این صعود کشت کوکنار موقف دومین ولایت با بزرگترین ساحه کشت را دوباره کسب کرد، همان موقعی را که در سرتاسر دهه 1370 اختیار کرده بود.

امروز میزان کشت در ولایت ننگرهار به تفکیک ولسوالیها، متفاوت میباشد. در مناطق که تمدید مختصر کشت کوکنار را در فصل کشت سال 1384 و یک برگشت کشت کوکنار را در سال 1385 به 40 تا 70 فیصد زمین آبی دیده بود، در سال 1386 این بسیار مشکل بود که چیزی دیگری جز غوزه کوکنار مشاهده شود. بگونه مثال، در سال 1386 در بعضی نواحی ولسوالیهای خوگیانی، شینوار علیا و اچین سفلی اضافه تر از 90-95 فیصد زمین آبی به زرع کوکنار اختصاص داده شده بود. تنها سه ولسوالیکه در اطراف جلال آباد قرار داشتند، دارای سطح پائین کشت کوکنار بودند.

⁴ برای تفصیلات بیشتر به دیود مینسفیلد، پریاه یا غربت مراجعه شود؛ وضع تحریم کوکنار در ولایت ننگرهار در موسم زرع سال 1384 و تاثیر آن بالای استراتژی معیشت روستایی، کابل: دفتر GTZ، سال 1384.

⁵ دیود مینسفیلد، مدیریت آبرسانی، مالدار و اقتصاد کوکنار: کشت کوکنار در ولایت ننگرهار و غور، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، دسمبر سال 1385.

بلخ: موفقیت پالیسی ضد مواد مخدر؟

وقتی که شواهد از ساحه اهمیت کاهش در منطقه کوکنار در بلخ را که در سوری سال 1386 افغانستان گزارش شده رقابت نکند، ادعاهایکه راجع به عوامل این وجود دارند، را حمایت نمیکنند. بسیاری مردم فرو رفتن غیر مترقبه در کشت کوکنار در ولایت بلخ را - که از تخمیناً 7,232 هکتار در سال 1385 به صفر در سال 1386 به کمپاین موفق آگاهی که با رشد اقتصادی شدید همراه بود منسوب میکنند. کار ساحوی در بلخ توصیه میدهد که عدم پذیرش در حصه تشکیلات قدرت، نژاد و سمت در هر حال بسیار به دقت نگریده شده. این یک مفهوم مغلق با نقش عمده است که توسط حامیان کلیدی که با کنترل و مقررات تجارت مواد مخدر و یکدست ساختن سازمان های رسمی و غیر رسمی در ولایت مربوطه پیوسته هستند براه انداخته میشود.

بلخ بالای دشت ترکمن در شمال افغانستان واقع است، و دور نمای زراعتی اش بالای برنامه عمده آبیاری که از دریای بلخ سرچشمه میگیرد، تسلط دارد. درک مرکزی بلخ عبارت از تاریخ و طرح مغلق استقامت و پیشرفت پیوسته در راستای ساختار آبیاری و سیستم زراعتی پس از ختم قرن 19 میلادی میباشد. رشد و تکامل پروسه های مسکن گزینی درین ولایت تا امروز جریان دارد. در زمینه فقدان نفوس و فراوانی زمین الی سال 1374، در بلخ مبارزات مردم برای زمین و منابع کدام مسئله یا دلیل برای بحران نبوده است. مهاجرین از سمت جنوب بسیار سریع بودن تا بالای مردم موجود وسیعاً ذریعه مستقر شدن در قسمت علیای رودخانه، موقعیت که آنها بطور مؤثر تا امروز نگهداری کرده اند، تسلط سیاسی و اقتصادی ایجاد نمایند. گرچه اکنون سیستم آبیاری بخاطر تقاضای بیش از حد ذخیره و شکست قوانین و شیوه های تخصیص آب، در نقطه سقوط قرار دارد.^۸

در ولایت بلخ چهار مرحله متمایز کشت کوکنار را میتوان با ابعاد مشخص فضائی و مؤقتی شناسائی کرد. خصوصیات مرحله اول قبل از سال 1373، توسط کشت بسیار منحصر و محدود مشخص شده بود. مرحله دوم از سال 1371 الی 1380 دوام کرد و با کشت وسیع اما متمرکز در جاهای معین علیای رودخانه مشخص شده بود. مرحله سوم از سال 1380 پیشرفت کرد و شاید هم بشکل زرع عمومی که با طرح آشکار فاصله ای دستیابی آب تعیین میشد، توصیف میگردد. این مرحله موجب به یک توقف ناگهانی در خزان سال 1385 همراه با تحریم مؤثر بالای کشت کوکنار شده بود، که آغاز مرحله چهارم را مشخص ساخت. تحولات میان این مراحل مختلف وسیعاً توسط ساختارهای قدرت غیررسمی - که بشکل اجتماعی معین

3000 - 5000 کلداری پاکستانی فی جریب^۶ به مامورین ولسوالی جلوگیری کنند، معمول بود. برای بسیاری از دهاقین بیش از پیش مشکل بود تا تخریب محصولات ایشان توسط مقامات منطقوی و ولایتی که به عقیده آنها خود در فساد و تجارت مواد مخدر دخیل هستند، قبول کنند.

در آغاز موسم کشت سال 1386، در ولایت ننگرهار وضعیت بیش از پیش وخیم به نظر میاید. تولید بیشتر پیاز در سال 1386 و سقوط متعاقب قیمت پس از بهره برداری آن منجر به زیان قابل ملاحظه در بین دهاقین و تاجران سبزیجات در ولسوالیهای همجوار جلال آباد شد، کسانیکه بالاخره کوکنار را با دیگر محصولات تجاری و دستمزد شهری تعویض کرده اند. مسدود شدن کمپ های مهاجرین در پاکستان در سال 1386، این مناطق را با افزایش تعداد برگشت کننده گان و کاهش دسترسی به تضمین که فامیل را در پاکستان به دستمزد کار فصلی تأمین میکرد، نیز متأثر ساخت. ترکیب کاهش فرصتهای دستمزد کارگر، افزایش تراکم نفوس و قیمت پائین پیاز، امکان بالا رفتن سطح کشت کوکنار را در موسم زرع سال 1386، حتی در مناطق که نزدیک مرکز ولایتی قرار دارند، بیشتر میسازد.

شواهد از ساحه توصیه میکنند که در بعضی از ولسوالیهای ننگرهار، در جریان موسم کشت قریب الوقوع، مردم جهت حمایت و نگهداری منتظر حالت شورش آمیز ضد دولتی هستند. در ولسوالیهای عمده موجودیت گروههای مسلح که با قوماندانان ضد دولتی مانند انورالحق مجاهد و حاجی زمان ائتلاف کرده اند، در وضعیت فعلی بشکل نقش آشکار سرکشی در مقابل دولت دیده میشوند. وضعیت امنیتی در سراسر ولایت با افزایش شیوه های انفجار ناگهانی، حملات بالای قوای مسلح دولتی و حادثات جنایتکاری حتی در ولسوالیهای همجوار مرکز ولایت - مانند سرخورد، چپرهار، پچیر و اگام، اچین و خوگیانی در حالت خراب شدن است. اتحاد میان اقوام در ولایت ننگرهار و قوت درونی آن که اگر به آنها فشار وارد گردد، نباید آنرا ناچیز پنداشت و بطور دسته جمعی واکنش دهند، تاریخ نشان میدهد که در ولایت ننگرهار آشوب سیاسی میتواند منجر به اعتراض وسیعتر گردد.^۷

⁶ یک هکتار تقریباً مساوی به 5 جریب زمین میباشد.

⁷ بطور مثال، سقوط شاه امان الله خان به شورش قبایل پشتون شینواری در جلال آباد در سال 1307 منسوب میشود. وقتی که این قبایل بالای پایتخت فشار میآورند، بسیاری از گروههای شاه ناپدید میشوند و گروههای که به امیر حبیب الله خان وفادار بودند داخل کابل شدند و وی را بحیث شاه گماشتند. امان الله در جنوری سال 1308 از سمت خود کناره گیری کرد. به لوئیس دیوپری، افغانستان، اکسفورد، بریتانیا مراجعه شود: موسسه انتشاراتی پوهنتون اکسفورد، 1359، ص. 452.

⁸ ادم پین، مدیریت آبرسانی، مالداری و اقتصاد کوکنار: کشت کوکنار در ولایت کندز و بلخ، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، سال 1385.

کشت، استراتژی اداره دفتر دارائی و بطور ممکن یک اجرات در تغییر تشکیل وضع سیاسی است.

نتایج این تحریکها چی است؟ کسانیکه مقامات دارای امتیازات بیشتر را اشغال کرده اند و در رأس منابع قرار دارند - کسانیکه زمین بالای رودخانه همراه با آب کافی برای زرع دوباره و از لحاظ سیاسی مستحکم هستند - کشت کوکنار برای آنها یک انتخاب با عواید بیشتر را عرضه میکند. چنین خانواده ها استراتژیهای خروج قابل تشخیص دارند، آنها به کوکنار با هدیه منابع مفید شان و دسترسی به مارکیت بدیلها دارند. چنین استراتژیها بدیل محصولات (شواهد از یک افزایش در کشت علف در ولایت بلخ وجود دارد) را با خود دارد یا فعالیت های غیر زراعتی را به اساس مفاد پنج سال گذشته گوناگون میسازد. گرچه بسیاری خانواده ها درین موقف نیستند، بشمول زمینداران کوچک و کارگران بی زمین قریه جات بالای رودخانه/چشمه و بسیاری از پایین رودخانه که از لحاظ سیاسی مستحکم نیستند، نیز مانند خانواده های زمیندار و بی زمین که با دسترسی محدود به آب، مواجه هستند. برای این چنین خانواده ها عاید که از منبع کوکنار بدست میآید انتخاب نمیشد بلکه یک ضرورت و یک وسیله آسایش بوده و خروج از اقتصاد تریاک نیز انتخاب نیست بلکه یک عمل تحمیل شده با تاثیرات منفی قابل ملاحظه بر رفاه و سعادت آنان بوده است. جهت دانستن و به وضعیت این خانواده ها بطور موثر پاسخ دادن، یک تلاش که عامل و اثرات تشکیلات عدم تساوی که زندگی آنها را شکل میدهد، نشاندهی و کاهش دهد، اساس میباشد.

غور: پاسخ برای کمبود مواد غذایی⁹

ولایت غور مناظر دوردست اقتصاد کوهی را به معرض نمایش میگذارد. سکونت در اطراف منابع آبی محلی با تناسب - کوچک ممکن بسیار پراکنده و فرصت طلب نسبت به اینکه به استقامت رودخانه های دریا پیوسته بهم متراکم باشد. اقتصاد زراعتی این ولایت وسیعاً به اساس محصولات للمی همراه با مشخص کردن خصوصیت فصلی در عرصه دسترسی فیزیکی و فعالیت حاصلخیز است. بسیاری از محصولات در ارتفاعات بلند، نباتات خودرو میباشند، و برآورد دقیق تقسیم زمین آبی را میان گندم و علف واضح میسازد تا برای زیست زمستانی خانواده ها و حیوانات خانگی فراهم گردد. ذخیره مواد سوختی و علف یکی از فعالیت های عمده در فصل تابستان میباشد که به دو الی سه ماه زحمت نیاز دارد. مشکلات نزدیک شدن به زمستان نقش بحرانی را در تضامیم بالای زرع کوکنار در رابطه به احتمال ناکامی خطر موفقیت تحفظ غذا برای مدت فصل زمستان انجام میدهد. تمام این ابعاد موجب شده اند تا ولایت غور را یکی از ولایت فقیر افغانستان

میشد، بطور نژادی که با ابعاد واضح فاصله ای مستقر میشد (بالای رودخانه در برابر پائین رودخانه)، و پیوسته با گروههای قدرتمند انفرادی انباشته شده است. مقررات بازار تریاک، تغییر تکنالوژی و دسترسی به مهارتها همه با گذشت زمان در تغییر شکل دهی کشت کوکنار نقشهای مهمی را بازی کردند.

فواید اقتصاد تریاک در ولایت بلخ هم بشکل مستقیم - در ازدیاد عواید برای کارگران و دهاقین - و هم بشکل غیر مستقیم - عواید بیشتر زمین که باعث مطالبه بیشتر تولیدات و خدمات شده است، قابل ملاحظه بوده است. منفعت که به مالکین زمین و کارگران منتج میگردد ناشی از عوامل مختلف با اهمیت بزرگیست که بطور واضح به نفع مالکین زمین میباشد. درآمد که از مدرک مالیات غیر رسمی به مامورین ولسوالی می آید، بسیار بیشتر بوده است.

در روشنائی تاریخ این ولایت، در موسم زرع سال 1386 چه چیزی کاهش سریع کشت کوکنار را در ولایت بلخ توضیح میدارد؟ پائین آمدن قیمت تریاک شاید مؤثریت پیوسته به این محصول را کاهش بخشیده باشد، لیکن شواهد از ساحه قیمت را منحیث عامل تعیین کننده عمده در نزول چشمگیر کشت تایید نمیکند. اگر این مثال باشد، پس باید در بین مناطق دارای آب خوب جاییکه انتخاب موثر محصول وجود دارد و پایین رودخانه، مناطق دارای آب کم، جاییکه انتخاب محدود و کشت کوکنار اکثراً یگانه بدیل برای زرع میباشد، فرق وجود داشته باشد. در حالیکه این واضح است که قیمت پائین کوکنار باعث نزول در کشت کوکنار نشد، این شاید موجب پذیرش تحریم بالای کشت شده باشد.

بعضی مردم کاهش کشت را در ولایت بلخ به کمپاین که هدف اش بالا بردن سطح آگاهی راجع به عدم کشت کوکنار بود، منسوب میکنند. در حقیقت چنین کمپاین وجود داشت، لیکن بالای تلاشهای انکشافی یا تهدید موثق ریشه کنی تاکید نمیکرد. به گونه دیگر، این ضرورت تولید عواید توسط کوکنار را پائین تر نکرد و نه هم خطر کشت را بالا برد. توضیح بسیار محتمل برای کاهش اینست که، مانند سال 1380 همراه با تحریم طالبان، کسانیکه فعلاً تحریمها را تطبیق و تحمیل میکنند همانند کسانی هستند که اقتصاد تریاک را در ولایت بلخ الی سال 1384 کنترل میکردند. قسمیکه تجارت تریاک ولایات با هم ربط دارد، آنها نیرو موثر دارند تا به کشت خاتمه بدهند. طوریکه به سوال راجع زمان بندی - که چرا این در سال 1386 واقع میشد و قبلاً نمیشد - پاسخ اش شاید ترکیب تعدیل در اقتصاد

⁹ به اساس کار ساحوی مینسفیلد در ولایت غور در سال 1386 (این گزارش توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بزودی چاپ خواهد شد) و دیود منسفیلد سال 1385.

سازد، یک حقیقت که توسط معلومات دفتر ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی در 1384 آورده شد.

سروی تریاک سال 1386 در افغانستان گزارش میدهد که کشت کوکنار در ولایت غور از 4679 هکتار در سال 1385 به 1503 هکتار در سال 1386 پایین آمد. شواهد از ساحه نشان توصیه میکند که حکومت تلاشهای کمی در قبال مبارزه علیه مواد مخدر بخرچ داده است تا کشت محصولات کوکنار این ولایت را کاهش دهد. نخستین فصل برای کاهش در سطح کشت کوکنار عبارت از شکست مکرر کوکنار در چند سال گذشته در ولایت، همراه با بعضی مناطق که برای پنج سال پی در پی حاصل کمتر از دو کیلو فی جریب را تجربه میکنند، بود. قیمت های تریاک در ولایت غور از 4000 افغانی فی کیلوگرام در سال 1385 به الی میان 3000 و 3500 افغانی فی کیلوگرام در سال 1386 به پایین آمده است و تاجران محدود تریاک به نظر میآمدند تا از جنوب به ولایت غور سفر کنند - که محتمل به درآمد فراوان تولیدات کوکنار در ولایت هلمند بود. متعاقباً در ولایت غور برای خانواده هائیکه مالدار و زمینهای للمی برای کشت گندم دارند، کشت کوکنار بعد از این یک بدیل موفقیت آمیز نیست.

فروش حیوانات اهلی و پیامد آن ادامه دارد تا برای کسانیکه که توانسته اند رمه هایشانرا نگاه کنند یک منبع مهم عاید باشد. برف باری سنگین در فصل زمستان سال 1386 ناشی شد تا بسیاری دهاقین بتوانند هم زمینهای ایشانرا آبیاری کنند و هم به حاصل مناسب زمینهای للمی شان مطمئن باشند. این دهاقین همراه با مالدار و زمینهای للمی خود را با گندم و قسمت بیشتر زمینهای آبی ایشانرا با محصول گیاهی کشت کردند. تجسس افزایش کمیت گندم با محصول گیاه که به تعقیب برفباری بهتر زمستان آمد، دهقانان را با فرصت خوب سرمایه گذاری در رمه های ایشان، واداشت. هدیه اموال و وسایل - فشرده ماهیت محصول کوکنار و عملکرد ضعیف آن در جریان چند سال گذشته، بسیاری از دهاقین در سال 1386 کشت کوکنار را ترک کردند. این توضیح میدارد که چرا بسیاری از زمینهای آبی که در سال 1385 برای کشت کوکنار اختصاص داده شده بود، در سال 1386 برای محصولات دیگر استفاده میشود.

بعضی از خانواده ها، به ویژه آنده که بدون مالدار و زمین محدود للمی قابل ملاحظه به سر میبردند، با کشت کوکنار ایستادگی کرده اند. بدون کشت کوکنار یا مهاجرت به ایران، آنها گزینه های محدود جهت درآمد پول نقد برای برآوردن ضروریات اولیه نیاز دارند. درجه وابستگی آنها بگونه منبع عاید بالای کوکنار، توسط زرع دوامدار

ایشان با وجود حاصل کم متواتر و کاهش نرخ دوامدار مورد بحث قرار میگیرد.

در موسم زرع سال 1386، کشت کوکنار در ولایت غور یکبار دیگر با حاصل کمی بیشتر از یک کیلوگرام فی جریب به ناکامی انجامید. دهاقین فقط بعد از دوبار بیشتر زدن دیده میشوند که محصول کوکنار شانرا - در مقایسه با سه یا چهار بار بیشتر زدن عادی، بردارند - گزارش داده میشود که غوزه های کوکنار دیگر قادر به تولید شیره نبودند. بسیاری از این خانواده ها نیز بالای کمک های پولی که از کارگران مهاجر در ایران بدست میآوردند متکی بوده اند، و حالا با اخراج کارگران افغانی از ایران بیشتر به رکود عواید روبرو میشوند و کسانیکه کوشش میکنند از سرحد افغانستان عبور کنند درگیر مشکلات زیاد میشوند. در تابستان سال 1386 بارانها در بسیاری از دره های ولایت غور محدود بود که دهاقین را به پیشبینی حاصل کم گندم در زمینهای للمی ایشان میکشاند. کمبود گندم با عواید فروش حیوانات اهلی باید برآورده شود، لیکن وقتیکه بسیاری از دهاقین به فروش حیوانات شان بپردازند، قیمت های حیوانات اهلی محتمل به سقوط میباشد. اگر عاید که از فروشات حیوانات اهلی بدست میآید برای برآوردن ضروریات خانگی کافی باشد، آنها مجبور به جستجوی گزینه های دیگر خواهند بود. این بطور مختصر پروسه میباشد که منجر به ازدیاد کشت کوکنار در نواحی ولایت غور به تعقیب خشک سالی که در بین و اواخر دهه 1370 واقع شد.

دهاقین در ولایت غور قبلاً نگرانی خود را در باره بدتر شدن وضع امنیتی نشان داده اند. شواهد از ساحه یک افزایش در حادثات خشونت آمیز و سرقت مسلحانه نشان میدهد، شایعات موجودیت مردان مسلح در دره هاییکه در جنوب مرکز ولایت چنچران قرار دارند و یک "حمله قریب الوقوع طالبان بالای دولت" به رشد احساس ناراحتی اضافه کرده است. آمیزش کارگران مهاجر که از ایران اخراج میشوند، پائین آمدن قیمت های حیوانات اهلی و ناکامی محصول کوکنار به درک فشار روحی و دلسردی با حکومت که در ولایت غور حاکم است اضافه کرده است.

بدخشان: تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر سبب افزایش ناآرامی میگردد¹⁰

ولایت بدخشان یکی از ولایات بزرگ افغانستان میباشد و تاریخ طولانی در عرصه کشت کوکنار دارد. این ولایت به استقامت سرحد شمالشرقی کشور واقع بوده که دارای کوه های بلند و دره های عمیق دریائی و از لحاظ تاریخ برای مدت طولانی از بقیه کشور جدا بوده است. نفوس مناطق کوهستانی

¹⁰ دیود منسفیلد، حکومتداری، رشد امنیتی و اقتصادی: عامل تعین کننده کشت کوکنار در ولسوالیهای جرم و بهارک ولایت بدخشان. کابل: شبکه انکشافی آغاخان، فیروزی سال 1386، ه. ش.

ولسوالی جرم، اقتصاد تریاک مرکز توجه که در چهار اطراف آن قوماندانان برای تسلط سیاسی و اقتصادی جد و جهد میکنند، میباشد. قوماندانان شاید دهاقین را مجبور سازند کوکنار زرع نکنند یا محصولات شانرا کاملاً از بین ببرند، از جانب دیگر، آنها از قدرت ایشان غرض تحفظ محصولات تریاک در مناطق که آنها حمایت سیاسی و نظامی خود را بدست می آورند، استفاده میکنند. کنترل بالای بست های کلیدی منطقوی دولتی، به ویژه قوماندانی پولیس ولسوالی بشکل قدرت سیاسی و مالی در منطقه دیده میشود.

برای کسانیکه شغل رسمی ندارند، دخالت در جرایم عمل دوگانه که عبارت از بکار بردن حصول مفاد مالی و ترویج فهم در بین جامعه منطقوی که حکومت نمیتواند از آنها حفاظت کند میباشد. حادثات سرقت و فساد، مانند خشونت و هراس افگنی توسط بازیگران دولتی و غیر دولتی، زمینه بی نهایت نامنی را بمیان آورده اند. با چنین یک محیط، تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر مانند یک مثال دیگر که هنوز هم تطبیق ناسازگار "عده قانون"، که طرفداری طبقه قدرتمند و طبقه ناتوان را رام میکنند، دیده میشود. کوششهای ریشه کنی فلهاذا بشکل یک مکانیزم دیگری برای ثروتمندان که دارائی طبقه فقیر را از آن خود کند، دیده شده، و جلوگیری اختیارات اخذ کنترل وسیعتر جهت مفاد بیشتر در تجارت و طی مراحل را اجاز میدهد. مردم روستائی خود را بیربط و مانند ناظرین ناتوان یا قربانیان روند فساد سیاسی میدانند، که بدین وسیله قوماندانان منطقه توسط مقامات در ولایت کابل "حفاظت" میشوند. که این زیربنای نیروی مشروعیت حکومت ملی، ولایتی و منطقوی را آسیب میرساند. تا وقتیکه این حالت منحل نشود، امکان دارد ناآرامی در ولسوالی جرم که اقتصاد منطقوی و ازدیاد احتمال افزایش سطوح کشت کوکنار را در سال 1386 متأثر میسازد، بدتر کند.

وضعیت مرکز ولسوالی بهارک تقریباً بطور کلی در مقایسه با وضعیت که در ولسوالی جرم وجود دارد، قرار میگیرد. اینجاست که قوماندانان عمده در داخل دولت جای گرفته اند یا عمدتاً دیده شده اند که پالیسی های دولت مرکزی را حمایت میکنند. اقتصاد منطقوی پیوسته بهتر عمل میکند گر چه رکود که در اثر کمبود در کشت کوکنار را هم در داخل ولسوالی و هم جاهای دیگر تجربه کرده است، موقعیت ولسوالی بهارک و اقتصاد گوناگون شدت فشار را کاهش بخشیده است. ولسوالی بهارک که در امتداد سرک عمومی بین فیض آباد و اشکاشیم واقع میباشد، به فرصت های متعدد تجاری بین کابل، مزار و تاجیکستان دسترسی دارد. سرمایه گذاری ها در اقتصاد مشروع، که در سالهای گذشته از سهم کشت کوکنار تمویل میشد، سود اسهام را میبردازد. رشد اقتصادی مشروع اقسام گوناگون گروهیهای اجتماعی و اقتصادی را در جوار ساحه سرک عمومی در چهار اطراف مرکز ولسوالی فایده میرساند. محصولات عمده زراعتی قیمتتهای خوب را در سر زمین میگیرد و داد و ستد نیز بهتر صورت میگیرد. پیشرفت در تجارت و

غیر قابل دسترس در زمان گذشته غله جات ایشانرا توسط معاوضه که ذریعه مشقت فصلی مهاجرت یا ذریعه فروش حیوانات اهلی انجام داده میشود، حاصل میکردند. در مناطق پایین، ضروریات غله توسط تولیدات، کشت کوکنار و فروش تریاک، فروشات حیوانات اهلی یا دستمزد فصلی برآورده شده است.

در موسم زرع سال 1386 در ولایت بدخشان سودمندی محصولات در برابر کشت کوکنار دسیسه میکرد. قیمت های پایین در مزارع، حاصل ناچیز در سال 1386 و نرخ بلند مزد کار، کشت و زرع را از تخمیناً از 13056 هکتار در سال 1385 به 3642 هکتار در سال 1386 کاهش داد¹¹ حالت شدید مشقت محصول به نقطه آسیب پذیر ادامه دارد: محصولات که به چنین اموال و وسایل قابل ملاحظه کار ضرورت ندارد، میتواند درآمد خالص بیشتر را در سطح افزایش نرخ مزد کار تولید کند، درک سودمندی انکار ناپذیر تولید کوکنار توسط رشد قیمتتهای حیوانات و محصولات غیر کوکنار، مصارف ترانسپورتی پایین و معاملات، و فرصتهای بهتر دستمزد کار برای اعضای فامیل کسانیکه دیگر ضرورت نداشتند بالای محصولات کوکنار کار کنند، چالش بود. در نتیجه، در ماه نوامبر سال 1385 کمتر از 5 الی 10 فیصد زمین کشت شده در مناطق مرکزی و ولسوالیهای جرم و بهارک به کشت کوکنار اختصاص داده شده بود. گر چه در دره های مرتفع - بلند کوهستانی کشت و زرع همچنان ادامه یافت.

نباید گفت که مقامات ولایتی در کاهش کشت سهم نگرفته اند. در جریان روند کار ساحوی با بسیاری مردم مصاحبه صورت گرفت که از تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر مقامات مرکزی و منطقوی دولتی آگاه بودند. گزارشات از پیام های مبارزه علیه مواد مخدر که از طریق رادیو و مساجد منطقوی پخش میشد وجود داشت، و نیز شواهد از کمپاین های مبارزه علیه مواد مخدر در بازار های ولسوالیهای بهارک و جرم وجود داشت. در اواخر ماه نوامبر سال 1385 قوای ریشه کنی نیز در ساحه پیدا شدند، گرچه این در حالی بود که موسم زرع فصل خزان در این ولسوالیها پایان یافته بود. چنانچه مردم منطقه اکثراً تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر را دیده اند که از اعمال قانون شکنان کلیدی در هر ولسوالی جدا ناشدنی بود.

یک بررسی نزدیکتر ولسوالیهای جرم و بهارک نشان میدهد که چگونه کثرت عوامل سطح کشت کوکنار را متأثر میسازد. در

¹¹ دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم/ وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، سروی تریاک سال 1386 ه، ش افغانستان: (اگست سال 2007) خلاصه اجرایی.

فرصت های کارایی ثابت میکند که کسانی که بی زمین هستند و یا دارای زمین کافی نیستند تا ضروریات اولیه شانرا برآورده سازند، میتوانند باوجود نبود کشت کوکنار، یک شغل مانند اجاره کننده گان زمین دریابند.

شواهد از ولایت بدخشان نشان میدهد که این سازگاری رشد اقتصادی و یک درجه امنیت که کاهش در کشت کوکنار را تسهیل بخشید وصل میکند، و بعداً حتی منفعتها در سراسر تمام ولسوالی توزیع نمیگردد. رویدادها در مرکز ولسوالی جرم این یافته ها را ذریعهنشاندگی تایید میکند که در جاییکه یک رژیم متزلزل مستقر و

پیشرفت در معیشت موجود نباشد، تلاشهای مبارزه علیه مواد مخدر بصورت خاص نیرو سیاسی و مالی قوماندانان منطقوی را تقویت میبخشد. این انحراف میتواند کوششهای که به کاهش دوامدار کشت کوکنار وارد گردد صدمه برساند. در مناطق مانند ولسوالی جرم، یک خطر واقعی وجود دارد که دوران سیاسی برای کشت موقت کوکنار میتواند زیربنای تلاشهای که برای موفق ساختن دستاوردهای دراز مدت بخرچ میروند آسیب برساند. در این چنین محیط، توجه بیشتر نیاز است تا رژیم متزلزل را بکوبد و رشد اقتصادی را گسترده تر سازد، و از ریشه کنی تا زمانیکه خروج از کشت کوکنار برای دهاقین یک انتخاب موفقیت آمیز نباشد، دست گرفته شود.

3. به سوی پالیسی مبتنی بر شواهد

سه موضوع که توسط این تحقیق قضیه های مختلف به پیش برده میشوند عبارت اند از: اول، شرایط گسترده ناامنی که خانواده های بی بضاعت افغانستان در وسیعترین درک آن بهبودی را جستجو و حاصل - یا ناکام به حاصل آن میشوند،^{۱۲} دوم: نقش کشت کوکنار در مساعدت با خانواده های مختلف تا بتوانند آسایش که تحت شرایط نا مطمئن است حاصل کنند، و سوم: نقش مشکل ساز که قدرتمندان کلیدی هر دو بشکل وکیل و موکل در "دلایلی مختصر" کشت کوکنار و کنترل آن در معامله کردن با عاملین خارجی و حفظ تفاهم با مشتریان وابسته آنها انجام دهند، میباشد. ما در اینجا استدلال میکنیم که این مسایل باید به یک پالیسی که توسط شواهد مبارزه علیه مواد مخدر پیش برده شود، متمرکز باشد. این در مقایسه با حالت های مختلف پالیسی فعلی استاده میشود که اکثراً در جستجوی شواهد که بیشتر فرضیات را نسبت به اینکه آنها را بررسی، امتحان یا پرسیان کرد، تایید کند.

دانستن "رژیم امنیتی غیر رسمی" در افغانستان

در بعضی قسمتهای افغانستان، جاییکه حکومت ضعیف است یا اصلاً وجود ندارد، خرید و فروش کم شده است یا مقررات رسمی ناچیز دارد، درین مناطق یک محیط که خصوصیات آن توسط احتمال خطر شدید و نا معلوم مشخص میگردد، وجود دارد. حکومت در تحفظ افراد ناتوان میباشد و نیز یک دلیل آن عدم تحفظ مردم توسط اعمال مامورین که به دنبال مفاد

شخصی شان هستند، میباشد. خرید و فروش درین مناطق توسط قدرتمندان کلیدی به طور غیر رسمی تنظیم میگردد که این خود منبع یا خطر بزرگ برای ضعف است.^{۱۳} برای بسیاری از خانواده ها جستجو برای مصونیت و آسایش از همه چیز مهم تر است و آنها مجبور اند تا این مبارزه را ذریعه همین ارگانهای غیر رسمی اجتماعی حاصل کنند. خصوصیات همچو "رژیم های امنیتی غیر رسمی"^{۱۴} توسط موجودیت روابط عمیق فی ما بین طرفین که به اثر سلسله مراتب مستحکم بمیان میآید، مشخص میگردد. در حالیکه این شاید حقوق نا تدوین شده و امنیت غیر رسمی که آنها برای طبقه فقیر نیاز دارند و یک معامله که ذریعه آن امنیت کوتاه مدت برای وابستگی و آسیب پذیری دراز مدت تبادل میشود، به بار آورد. مرزهای تاریک بین حکومت - جاییکه مامورین میتوانند منصب های شخصی را جهت گسترش مفاد شخصی استعمال کنند - و گروه های خصوصی که غیر رسمی را با رسمی یکجا میسازد، کسانی که افراد و جوامع را با فرصتها تامین میکند یکجا سازد، تا پیشرفت کنند و در مارکیت یا حکومت منافع - شخصی ایشانرا حفظ نمایند، و بدینگونه موقف شانرا حاصل و مستحکم سازند و پشتیبانی موکلین را تقویت بخشند.

قرار گرفتن در معرض خطر و کمبود وسیله که از عهده اش برآید، دلایل عمده دوام فقر و بمیان آوردن دامهای فقر میباشد.^{۱۵} احتمال خطر خانواده ها را وادار میسازد تا از فرصتهاییکه به آنها راه های بیرون رفت از فقر را پیشکش میکند،

¹³ سارا لیستر و ادم بین، داد و ستد در قدرت: سیاستهای مارکیت آزاد در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و

ارزیابی افغانستان سال 1383.

¹⁴ به کوغ و چوب مراجعه شود.

¹⁵ ستیفان دیرکون، آسیب پذیری: یک دورنمای کوچک، اکسفورد، انگلستان: پوهنتون اکسفورد سال

1385.

¹² به تعقیب کوغ و چوب، یک رژیم آسایش مقیاسوی نزدیک شدن به پالیسی جامعه، انکشاف جهانی 32 (1385)، اصطلاح "آسایش" به معنی بدست آوردن ابعاد وسیع بهروزی که اقدامات غربت ناکام بدست آوردن عواید میشود.

اعظمی برسانند. بعضی محصولات - به خصوص قسمتی از سیستم محصولاتی مخلوط و پیوسته با عواید فرصتهای یا مشاغل غیر زراعتی - میتواند در عرصه عواید مالی با کوکنار و قتیکه قیمتهای تریاک پایین تر باشد، رقابت کند، لیکن هیچ محصول دیگر نمیتواند چنین ویژه گی کیفی را داشته باشد، که مشتمل: خشک سالی متدام نسبی، یک محصول نا - فاسد شدنی، یک مارکیت تقریباً تضمین شده و تاجران که پیش پرداخت را در برابر محصول آینده، عرضه میکنند.

دسترسی به اعتبار غیر رسمی یک قسمت اساسی یقینی ساختن بقای خانواده های فقیر روستائی در موجودیت و عدم موجودیت کوکنار است. ضرورت برای اعتبار در سراسر افغانستان بدون در نظر داشت کشت کوکنار فراگیر است، که وسیعاً ذریعۀ مصرف خانگی که ضرورت به قرض گرفتن را هموار میسازد تا مطمئن سازند که خانواده ها میتوانند کمبودی شانرا در فراهمی غذا برآورده سازند، انباشته میشود. اعتبار پاسخدادن به نقش اجتماعی وسیع از نگهداشت شبکه امنیت غیر رسمی و کفایت کردن مصارف خانگی و ضروریات بقا را تمرین میکند. خانواده هاییکه کوکنار کشت میکنند اکثراً نسبت به کسان که کوکنار کشت نمیکنند بسیار "قابل اعتبار" میباشند. بطور مثال، در موسم زرع سالهای 2006-2005 در بسیاری از نقاط افغانستان خانواده هاییکه کوکنار کشت کرده بودند میتوانند یک تعداد وسایل مختلف را بشمول اقلام غذا، ادویه جات و البسه به قرض حاصل کنند، در حالیکه کسانیکه از کشت کوکنار اجتناب ورزیده بودند، بخاطر اینکه وسیله پس پرداخت نداشتند، از دادن قرض به آنها انکار میشد.¹⁹ بدین ترتیب، کشت کوکنار سطح تحفظ برای عدم مصونیت غذایی و صحت را تامین میکرد. همینطور، شواهد جدید ساحه از ولایت بدخشان به نقش مهم کشت کوکنار در فراهم آوری نیازمندیهای مصرف خانگی و کاهش دادن ضرورت به دسترسی قرض غیر رسمی اشاره میکند.²⁰

اما در جائیکه کوکنار موجود است، کسانیکه آنرا کشت میکنند به مفاد پیش پرداخت که بشکل ثابت موجود است، برای حاصل آینده ایشان، دسترسی میابند. در حالیکه این مفاد پیش پرداخت که "سلم" نامیده میشود ممکن است از محصولات زراعتی دیگر مانند گندم یا زیره سیاه برات آید. کوکنار حاصلی است که مورد علاقه قرض دهندگان قرار میگیرد. چنانچه اکثر خانواده های که کوکنار کشت مینمایند شاید از این سیستم استفاده بیشتر کنند. کمبود منابع اکثراً باعث میشود تا آنها تمام حاصل خویشرا قبل از دور به قیمت نازلتر بفروش برسانند. این سیستم اجازه میدهد تا نرخ محصول موجود از قبل دانسته شود که زمینه خریداری غذا، لباس و لوازم زراعتی را فراهم میسازد. مگر به صورت کلی قیمت فروشات قبل از فصل کمتر میباشد.

جلوگیری شود. احتمال خطر درین زمینه به نسبت خصوصیات انسانی (وابسته به خانواده ها) که در اثر احتمال خطرات خشکسالی، تغییر قیمتها، آغاز مرض طاعون یا مرگ و میر در بین خانواده ها را به بار میآورد، بیشتر واضح میسازد. بگونه مثال که در ولایت بلخ ارئه میشود، احتمال خطر درین زمینه رژیم امنیتی غیر رسمی باید در عرصه ابعاد ساختاری و شیوة اختیاری و صلاحیت غیر مسئول که به غیر مساوات اقتصادی و اجتماعی ربط دارد، دانسته شود.

نقش کوکنار در تهیه مصونیت غیر رسمی برای طبقه فقیر

عدم مصونیت شدید معیشتی که توسط خانواده هاییکه در نواحی ولایت بلخ بسر میبردند، تجربه شده، زارعین کوکنار در ولسوالی جرم ولایت بدخشان، ننگرها و زارعین کوکنار ولایت غور نقش کوکنار را در افغانستان معین میکنند. با کم کردن احتمال خطر عدم مصونیت غذایی و فراهم نمودن دسترسی به زمین و اعتبار، غوزه کوکنار وسیله حیاتی که افراد غریب قادر شده اند تا احتمال خطر را اداره و دسترسی به منابع را حفظ کنند، فراهم کرده است، تا بقا ایشانرا حتمی سازند. در حالیکه کوکنار به وسعت گسترده مناطق و توسط گروههای اقتصادی و اجتماعی در افغانستان کشت شده است. که این امکان دارد در مناطق متمرکز باشد که دارای دسترسی محدود به زمین آبی، تراکم نفوس بیشتر و فرصتهای عاید زراعتی و غیر زراعتی¹⁶ - یا جاییکه نامنی در حد زیاد است. با تناسب زمینداری کوچک و تعداد بیشتر افراد/زمین (تعداد افراد فی جریب زمین) کشت وسیع گندم که میتواند دو الی سه ماه برای خانواده ها کافی باشد، فراهم میکند¹⁷. بر علاوه از محدودیت بالای فرصتهای موفقیت آمیز غیر زراعتی، گزینه هاییکه بخاطر محصولات توسط پول نقد میتوان مصونیت غذایی را برآورده سازد، محدود میباشد. سبزیجات و میوه جات نیز مانند گندم، در ناکامی حاصل که از اثر کمبود آب آسیب پذیر میباشد و خرید و فروش برای تمام وسایل مناسب متمایل به مقررات گسترده غیر رسمی هستند و به طبقه فقیر یک منبع عمده احتمال خطر باقی مانده است.

در روشنائی این شرایط، سطح بلند کشت کوکنار کمبود فرصتهای گوناگونی که در درآمد زراعتی، غیر - زراعتی و بی - زمین وجود دارد، انعکاس میدهد¹⁸. برای طبقه غریب، کوکنار محصول جاذب است، بخاطریکه این یک محصول با احتمال خطر - کم در یک محیط پر خطر میباشد، نه بخاطر اینکه آنها را اجازه میدهد تا درآمد اقتصادی خود را به حد

¹⁶ به مثال مینسفیلد سال 1385 مراجعه شود.

¹⁷ مینسفیلد سال 1385.

¹⁸ جو گریس و ادم بین، معیشت روستائی در افغانستان را دوباره مورد غور قرار میدهند، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، سال 1383. فلورتجی کلیجن و ادم بین، دریافت پول: شیوه های روستائی غیررسمی قرضه در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، سال 1386.

¹⁹ مینسفیلد سال 1385.

²⁰ ادم بین نقش کوکنار در قرضه غیررسمی، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، در سال 1386 عرضه خواهد شد.

بشکل محصول که افراد بیشتر نیاز دارد، کشت کوکنار زمینه دسترسی به مزارع را به اشخاصی فراهم میسازد که از خود زمین ندارند. همچنان کسانی که مالکین مزارع اند تا از این طریق تمام نیازمندی های خویشرا برآورده سازند. این شکل ابتدائی به سبب تقاضای زیاد به کوکنار در قسمت این محصول و مفاد اقتصادی برای آنانکه زمین زیاد در دست دارند با دادن آن به دهاقین دیگر بشکل شراکت یا اجاره مییابد. اگر این زمین ها برای کشت دیگر محصولات که افراد کمتر ضرورت دارند استفاده میشود، پس آنها دیگر برای شراکت یا اجاره آماده نمیگردند بلکه زمینداران میتوانند خود ایشان توسط کارگران خانگی زرع کنند یا توسط کارگران که پیوسته با مزد کمتر کار میکنند.

زمیندارانیکه میخواهند زمین ایشان به شکل شراکت کوکنار کشت گردد اکثراً ترجیح میدهند تا زمین شانرا به کسانی دهند که در قسمت کشت کوکنار تجربه داشته باشند. تحت تدابیر ذیل، زمینداران معمولاً نیم و یا دو از سوم حصه محصول را بدست می آورند در حالیکه الی 80 فیصد مصارف محصول بشمول مزد کارگران توسط دهقانان صورت میگیرد. در جاهائیکه زمین بشکل کرایه داده میشود، دهاقین داوطلب که خواهان کشت کوکنار هستند، نیز ترجیح داده میشوند زیرا آنها کرایه بیشتر میپردازند.²¹ کشت کوکنار بشکل شراکت و یا اجاره زمینه را به کسانی که زمین ندارند فراهم میسازد تا از این طریق به آن دسترسی یافته و عواید زراعتی را بیشتر سازند. این بدین معنی است که آنان میتوانند استحقاق مستقیم خویشرا در کشت محصولات غذائی نیز بیشتر نمایند، نه تنها در کشت کوکنار بشکل حق تصدی زمین آنها.

مهمتر از همه اینکه قاچاقچیان کوکنار برای خرید آن به مزارع میروند. آنها قیمت ترانسپورت و رشوه به کسانی که بناً تلاشی وجود دارند، میپردازند و همچنان آنها خطر فزینی سفر را در محلات نا امن بدوش میگیرند. در این محلات تاجران محصولات قانونی بر خلاف آن محصول را در مزارع خریداری نمیکنند و غیر محتمل به عرضه پیش پرداخت محصولات که ممکن در اثر ازدحام ترافیکی و یا جنگ ها متضرر گردند، باشند. نبود امنیت سفرها و تجارت را کمتر میسازد از آنجائیکه مصارف ترانسپورت بالا رفته و تشویش امنیت فزینی بالا میروند، در حقیقت شواهد در دست است که نشان میدهد که در ولایت هلمند تعداد تلاشی بیشتر گردیده که در آنجا پولیس ملی، اردوی ملی و شورشیان از کسانی که از سرک ها استفاده میکنند مالیه میگیرند. که این شیوه تولیدات قانونی محصولات قابل فروش را نا مقایسه میسازد.²²

²¹ دیود مینسفیله، پاسخدهی به چالشهای متنوع کشت کوکنار در افغانستان، در صنعت مواد مخدر افغانستان: ساختار، فعالیت، تحریکها و لزوم برای پالیسی مواد مخدر، کابل: دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم / بانک جهانی، سال 1385.
²² ارتباط نویسنده با باشندگان ولایت هلمند، ماه سپتمبر سال 1386.

درین محیط، محصول کوکنار قیمت بیشتر و وزن کمتر را تقدیم میکند، فلهذا تاجران هنوز هم علاقه دارند تا به مزارع رفته و آنرا خرید نمایند. و اگر شرایط امنیتی بدتر گردد آنها میتوانند آنرا توسط یک فامیل انتقال دهند. جهت نبود امنیت، این درک آنرا میدهد که خانواده ها دیگر محصولات را کشت کنند حتی در جاهائیکه ظرفیت آن نیز باشد. در حقیقت، در مناطق مانند مرکز ولایت هلمند یا قندهار که در بیش از نصف آن سهولت آبیاری بیشتر و خاک بهتر موجود است و بسیاری از دهاقین در مجاورت با بازارهای ولایتی در تعیین اینکه چه باید کشت نسبت به وجود ناامنی دارای اهمیت کم میباشند. یک استراتژی موثر مبارزه علیه مواد مخدر برای افغانستان باید روابط بین تزلزل معیشت و امنیت محیط اقتصادی و اجتماعی فزینی را معلوم و مورد توجه قرار دهد.

در خلاصه، فقر و کوکنار بطور ذاتی بهم پیوسته هستند. برای خانواده های روستائی فقیر افغانستان، کشت کوکنار نه تنها بخاطر عاید است، بلکه بخاطر اداره احتمال خطر و دسترسی به منابع که آسایش را تحت شرایط غیر رسمی اداره میکند، مییابد. در این زمینه ترجیحات به "حرص" بشکل دلیل ابتدائی برای پیشرفت در کشت کوکنار بصورت عموم ظاهر نشده است.²³ ادعا هائیکه گویا دهاقین در ولایات جنوبی ثروتمند هستند و گزینه های دیگر نسبت به کشت کوکنار دارند، بر اساس معلومات که در دست است، حمایت نمیکنند. معلومات که توسط دفتر احصائیه مرکزی افغانستان در سال 2004 میلادی تهیه شده و توسط دفتر ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی در سال 2005 میلادی جمع آوری گردیده ولایات جنوبی را در قبال بهبود اقتصادی و اجتماعی پیوسته پائین طبقه بندی کرده است. از جمله 34 ولایت، ولایت هلمند به ترتیب ششم، قندهار پانزدهم، ارزگان سی و دوهم، و ذابل سی و سوم در ردیف قرار دارند. هفت ولایت شمالی بلندتر ردیف بندی شده اند: جوزجان اول، بلخ نهم، بغلان یازدهم، سمنگان سیزدهم، بامیان هژدهم، فاریاب بیست و پنجم و سرپل سی و یکم میباشند.²⁴ این طبقه بندیها ادعای را که دهاقین در سمت جنوب بطور قابل ملاحظه ثروتمند تر هستند نسبت به دهاقین که در دیگر مناطق کشور به سر میبرند، ثابت نمیکنند. علاوه بر این، در سال 2005 میلادی ولایت هلمند بدترین میزان ثبت نام اطفال میان 6 و 13 ساله برای شمولیت در مکاتب، و یکی از

²³ کشت کوکنار در افغانستان پس ازین با غربت ارتباط ندارد - بالکل مخالف آن. هلمند، کندهار و سه ولایت دیگر تولید کننده کوکنار در جنوب ثروتمندترین و حاصلخیزترین همه، در گذشته ناحیه حاصلخیز ملت و منبع اساسی عواید هستند. حالا آنها راه بیرون رفت از کشت کوکنار را به پیمانہ بی سابقه برگزیده اند، در حالیکه غریب ترین زون شمال محصول کوکنار را توقف میدهند. دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم / وزارت مبارزه علیه مواد مخدر سال 1386، ص، 4. همچنان این باید یادداشت شد که 75٪ کشت کوکنار در هلمند کشت نو میباشد که دو سال قبل وجود نداشت. به اساس توضیحات، بعداً حد اقل 75٪ کوکنار در ولایت هلمند توسط دهقانان غریب کشت نمیشوند کسانی که کمبود راهیابی به بدیلهای اقتصادی مشروع دارند - دو سال قبل این دهقانان چیزی دیگری میکردند. حکومت ایالات متحده امریکا، استراتژی مبارزه علیه مواد مخدر برای افغانستان، سال 1386، ه، ش، ص. 53.
²⁴ دفتر احصائیه مرکزی، اجتماعی و اقتصادی و تاریخچه آمار، کابل: اداره احصائیه مرکزی.

نماینده گان، روابط وکیل - موکل و قراردادهای مختصر^{۲۹}

مسایل زیاد است که باید از سه مثال جدید کاهش قابل ملاحظه در ساحات کوکنار از یک فصل به فصل دیگر آموخت. رویداد اول فرمان حکومت طالبان در سال 1379 بود، که بعد از آن ساحه کوکنار به 97 فیصد - از 82000 هکتار زمین در سال 1379 الی 8000 هکتار در سال 1380، کاهش یافت. رویداد دوم در ولایت ننگرهار بود، که در بین موسم سال 1383 و 1384 ساحه کوکنار از تقریباً 96 فیصد که از 28213 هکتار زمین به 1093 هکتار زمین پائین آمد. رویداد سوم در ولایت بلخ است که در فصل سال 1385 7272 هکتار زمین کشت کوکنار شد و در سال 1386 به صفر هکتار کاهش یافت.

در هریک از این شرایط، کاهش به معنی اجبار توسط آنانیکه کنترل قاچاق مواد مخدر را دارند میباشد^{۳۰} نه ریشه کن ساختن بشکل فزیک و یا نا مساعد ساختن زمینه کشت کوکنار. واضح است که در دو واقعه اخیر ننگرهار و بلخ در قسمت کشت کوکنار تلاش قابل وضاحت صورت نگرفته تا در بالا رفتن وضع اقتصادی و مساعد نمودن فرصت ها برای قریه نشینان تاثیر گزار باشد تا آنها از کشت کوکنار دست بردار شوند. بهترین کاری که صورت گرفته که میتوان آنرا " معیشت بدیل " نامید، پروژه های قرضه دهی بوده که همزمان با محو کشت کوکنار برگزار گردیدند و برای بعضی از ساکنان محل فرصت قرضه های کوتاه مدت را در بعضی ساحات مهیا ساخت. در ولایت بلخ، هیچ نوع شواهد قابل ملاحظه وجود ندارد تا نشان دهد که در قسمت راه های بدیل برای محو کشت کوکنار تلاش صورت گرفته باشد.

در اثر دریافتی، کشت کوکنار بشکل یک جنس تجارتي درآمد است که بالای آن دولت مردان حاکمیت قدرت ایشان را آزمایش میکنند. از یک طرف، آنان منحصی مسئولین باید رضایت و پشتیبانی موکلین خویش را نگهداری کنند در حالیکه محدودیت های اجباری نیز وجود دارد. و از جانب دیگر، منحصی وکلای آنها باید به موکلین خویش مفاد نیز برسانند که این از جانب بالا دستان ایشان طرح گردیده که این مسئولین بالای آنها حاکمیت مستقیم ندارند. ازین قرار، کوکنار نه تنها بشکل یک مواد نشه آور غیر قانونی قاچاق میشود بلکه وسیله ایست برای قدرتمندی قانون شکنان محلی و ملی. والی ولایت بلخ در ردیف والیان زیاد دیگر قرار دارد که در محو کشت کوکنار در طول یکسال برای کسب مفاد سیاسی تلاش زیاد ورزیده است. دیگران قبل از وی بشمول حاجی قدیر در ننگرهار در سال های 1994-1995 میلادی، شیر محمد اخند زاده در هلمند در سالهای 1383 و حاجی دین محمد در ننگرهار در سال 1384، چنین تلاشها نیز نموده

²⁹ آستری سورک، "وقتیکه بیش کمتر است": دولت سازی را افغانستان مساعدت میکند، مادرید: "قراردار مختصر" یک استراتژی است که کاهش دادن احتمال خطر و تحفظ موقف کسی را در حالت مشکوک توضیح میدهد.

³⁰ به اثر جان کوهیلر، ورود بحران و اقتصاد کوکنار در افغانستان مراجعه شود، کابل: دفتر GTZ پروژه بدیل معیشت در زون شرق افغانستان، ماه جنوری سال 1384، همچنان دم بین سال 1386.

بزرگترین درجه بیسوادی در کشور را گزارش داده است.^{۲۵} با توسعه کشمکش شدید در سمت جنوب، این شاخصها احتمال دارد در طول دو سال پس از جمع آوری معلومات پائین آمده باشد.

اظهارات دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم و وزارت مبارزه علیه مواد مخدر که دهاقین در سمت جنوب که کوکنار کشت میکنند ضعیف نیستند، شاید این ناشی از یافته هائیکه راجع به اوسط عاید خانواده ها درین ولایات که (3316 دالر در رشد کوکنار و 2480 دالر در مسایل دیگر) به پیمایش کننده گان دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم بیشتر گزارش^{۲۶} داده شده باشد، نسبت به کسانیکه در شمال (2690 دالر در رشد کوکنار و 1851 دالر در مسایل دیگر) یا مرکزی (1897 دالر در رشد کوکنار و 1487 دالر در مسایل دیگر) میباشد. اگر این ارقام را در تصور بگذاریم، خانواده "حریص" در سمت جنوب که کوکنار کشت میکنند، عاید روزمره 9 دالر در مقایسه با خانواده "فقیر لیکن نجیب" روزمره 5 دالر عاید خواهد داشت. با تناسب تعداد اعضای فامیل به تعداد اوسط 9 نفر در یک خانواده در ولایت هلمند و 7 نفر در یک خانواده در ولایت بلخ میباشد که این تعداد پیوسته فرق بین عاید روزمره فی نفر را 1 دالر و 0.70 دالر نشان میدهد^{۲۷}. اگر مسایل عدم برابری عواید در بین ولایات و شیوه شناسی مشکلات آشکار که با تجمع و اعتبار معلومات عواید خانواده در ممالک رو به انکشاف^{۲۸} را یک طرف گذاشت، با استفاده از عواید یک ساله خانگی و کمیت نامنظم خانگی مانند سنجش فقر، دانش محدود طبیعت و اندازه گیری فقر را به ویژه تحت شرایط مزمن ناامنی عرضه میکند.

²⁵ دفتر ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی سال 1384. کابل: وزارت احیا و انکشاف دهات و دفتر احصائیه مرکزی، ماه جنون سال 1386، ص. 89-93.

²⁶ دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم/وزارت مبارزه علیه مواد مخدر سال 1386، ص. 16. جدول 7 کمبود نمونه و نواقص معیار دارد لذا اهمیت احصائیهی نمیتواند به آن منسوب گردد.

²⁷ دفتر ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی سال 1384، همان، ص. 88.

²⁸ اندازگیری وضعیت اقتصادی خانواده در ممالک مترقی مشکلات قابل ملاحظه را وانمود میکند. معلومات ابتدائی که مکرراً جهت شاخصهای ثروت، عواید خانواده و سطح مصارف استفاده میشود، اکثراً قابل دسترس یا قابل اعتبار نمیشود. در ممالک که قسمت اعظیم نفوس آن خود محصولات زراعتی را کشت میکنند یا سکتور غیررسمی که عواید و مصارف را با ارزش پولی نشاندهی میکند میتواند باعث زیبایی بینهایت وقت و مشکلات عمده اعتبار را متحمل شود. تانجه هاویلنگ ایت ال، عدم تساوی صحت را بین اطفال در ممالک مترقی مقیاس میکند، ژورنال بین المللی برای تساوی صحت (1382)، ص. 8. همچنان به ایم آر مونگومری ایت ال مراجعه شود که معیارات زندگی همراه با اشکال متغییر را مقیاس میکند، احصائیه 37 (1379).

قبل است تا قانونیت تحریم سال 1386 ولایت بلخ را دریافت، مگر این ممکن است که کشت کوکنار در جاهائیکه سیستم آبیاری درست دارند و کنترل توزیع آب بدست سازمان های قدرتمند محلی است، بر گردد.

پاسخ وزارت مبارزه علیه مواد مخدر این است که پروگرام های بدیل معیشت پاسخگوی از دست دادن عاید کوکنار خواهد بود. اینگونه پروگرامها در واقعیت پروژه های قرضه کوتاه مدت برای کار و سرمایه گذاری ها را که زمینه کشت زراعت تجارتی را مساعد میسازد مهیا میکند که توجه بیشتر آن بالای محصولات حیوانی و نباتی با ارزش میباشد. این راهی است که مورد توجه سرمایه داران در محلاتی که راه خوب به بازار دارد قرار میگیرد که درین محلات راه های بیرون رفت از عاید کوکنار بخوبی موجود است که در بعضی نقاط ولایت ننگرهار مشاهده گردیده است. مگر این راه از دلچسپی و ضروریات طبقه فقیر چشم پوشی مینماید. تاثیرات بهبودی، اگر در حال به سر رسیدن نیز باشد در یک شب انجام یافته نمی توانست. انکشاف دهات یک پروژه طولانی میباشد. پروگرامهای بدیل معیشت نیز موفق نشده تا موضوعات عمده که ارتباط مستقیم با کشت کوکنار در افغانستان دارد، را مخاطب قرار دهد.

در کوتاه مدت، این برای پروگرام همکاری انکشافی ناممکن است که خلای منابع را که نفوس محل به اثر محو کشت کوکنار با آن مواجه شده اند، پر نماید. در شرایط دشوار اقتصادی که بشکل دعوت شده دنبال می آید، این برای والیان مشکل است تا سرمایه سیاسی را که برای تحریم سالهای آینده ضروری است، بدست بیاورند. شواهد نشان میدهد که خاتمه بخشیدن به کشت کوکنار بشکل جبری پایدار نیست و در قسمت ننگرهار باعث بروز دوباره کشت کوکنار و اقتدار قوت های ضد دولتی گردیده است.

این از دست دادن رضایت و اعتبار نفوس محلی برای قانون شکنان محلی و مسئولین بالادست آنان تاثیر دیگر این کاهش سریع کشت کوکنار میباشد. این با برآفتگی علیه طبیعت مبارزه علیه مواد مخدر و تاثیر ناگوار آن بالای اقتصاد خانواده ها و برداشت منفی آنها از امانتداری آنانیکه مسئولیت تطبیق پالیسی مبارزه علیه مواد مخدر را بدوش دارند، آشکار گردیده است. در ولایت ننگرهار شکایات بروز نموده اند که ضرورت عمده مردم محل که عبارت اند از امنیت، کار و محو فساد اداری مورد توجه قرار نمیگیرد و دولت و جامعه بین المللی اولویت را با بین بردن مزارع مردم برای مشکل مواد مخدر میدهند.

احساسی که دولت برای آن خوشبین است تا قحطی نفوس محلی اش را عمیق تر سازد با تحریم بالای کشت کوکنار مردم محل را اضافه تر منحرف میسازد. اکثر دهاقین به این نظر اند که کسانیکه تحریم کشت کوکنار را تقویت مینمایند و محصولات ایشانرا از بین میبرند خود در قاچاق مواد مخدر دست دارند که این موضوع را بدتر میسازد. همچنان درک ازدیاد رشوه ستائی و احساس آن که ریشه

اند. این تلاشها اکثراً در اوقاتی واقع گردیده که وضع اقتصادی کشور قبلاً برای مواد مخدر نا مساعد بود. کشت کوکنار و ازین جهت خوش ذایقه برای موکلین.³¹ والیان تحت شرایط کنونی این برای یک والی بسیار است تا برای کاهش کشت کوکنار تلاش بیشتر ورزند و اینرا بشکل "مبارزه ایشان علیه مواد مخدر" جلوه بدهند.

مانند ولایت ننگرهار در سال 1385 و ولایات دیگر قبل از آن، تقویت تحریم کشت کوکنار درین اواخر در ولایت بلخ نشانه حکومتداری انکشاف یافته نه بلکه این نشانه یک مبارزه وسیع و سازمان یافته دولت مردان محلی است و برای کسب پشتیبانی سیاسی و اقتصادی جامعه بین المللی است. قانون شکنان و حمایت کنندگان ایشان در جامعه جهانی که تحریم را تقویت میبخشد معلوم میشود که برای خلای واقعی توجه ندارند که نفوس محلی به اثر از دست دادن کوکنار ایشان از آن رنج میبرند. والی ولایت بلخ اشاره میکند که ولایت بلخ همکاری لازم را در قسمت محو کشت کوکنار در این سال بدست نیاورده است. خطر برگشت کشت کوکنار به قوت و شدت خود باقی است و شواهد قابل ملاحظه در قسمت کشت تنباکو نیز دیده شده است.³² این گونه تهدیدها در افغانستان در قسمت محو کشت خشخاش بی سابقه نیست.³³

نتایج کاهش سریع درین سه واقعه چیست؟ تحریم طالبان، تاثیر آن بالای نرخ و تعیین قرضه ها برای کوکنار بشکل درست واضح گردیده، با بالا رفتن نرخ ها که بعداً اقتصاد مواد مخدر را ازدیاد میبخشد.³⁴ در قسمت ولایت ننگرهار سال اول تحریم کشت کوکنار تاثیرات مختلف قحطی بالای طبقه کارگر خانواده ها داشت که آنها را به مهاجرت وادار نمود و اقتصاد مردم محل را به شدت تخریب نمود.³⁵ در حالیکه ساحاتی که دسترسی بهتر به بازار دارد و از آب کافی بهره مند میشوند شاهد بهبود مارکیت سبزیجات بوده اند که در مزد کارکنان نیز تاثیر گذار بوده است. محلات با دسترسی کمتر، غنای محدود از لحاظ منابع و مساحت کوچک شاهد رشد دو باره کشت کوکنار بوده اند، نه بشکل جبران کننده محو کوکنار درست ثابت نشده، پروژه های بدیل معیشت در اکثر ولسوالی هائیکه کوکنار در آن کشت میشود قناعت بخش نبوده است. هنوز هم

³¹ برای تفصیلات بیشتر دلایل مرحله کاهش کشت کوکنار در ولایت ننگرهار در سال 1384، به همان دیود مینسفیلد سال 1384 مراجعه شود.

³² کار ساحوی که توسط یک موسسه غیردولتی در چمتال در ماه جولای 1386 به عهده گرفته شد، گزارش میدهد که دهقانان در نظر داشتند تا در موسم زرع سال 1386 به سوی کشت کوکنار برگردند. سخنرانی خصوصی نویسنده، ماه سپتمبر سال 1386. همچنان ریوتر، "راهیابی دهاقین افغان به کوکنار: تنباکو"، روز پنجشنبه 27 ماه سپتمبر سال 1386.

³³ روزنامه ایرین، "تاکید بالای تلاشهای محو کشت کوکنار"، 10 ماه نومبر سال 1384.

³⁴ جهت دانستن تحریک توسعه کشت در ولایت بدخشان بعد از سال 1380، به ادم بین سال 1386 مراجعه شود.

³⁵ همان دیود مینسفیلد سال 1385.

سخت تر را جهت محو کشت کوکنار روی دست بگیرد، که این در حقیقت یک اختلاف بین مردم محلی و دولت و حمایت کنندگان بین المللی ایشان ایجاد میکند.

سم پاشی و مسایل تفرقه انگیز

امروز در افغانستان هیچ یک مسئله جداگرانه تر از استعمال سم پاشی جهت ریشه کنی محصولات کوکنار نیست. کوکنار که توسط قوای ناتو ریشه کنی میشود، نشان میدهد که نفوس روستائی افغانستان با همچو حرکت در افغانستان مخالفت میکنند. شواهد که در ماه نوامبر و دسمبر سال 1385 از ساحه دریافت شد، در زمان که ریشه کنی از طریق سم پاشی در مطبوعات و توسط مامورین در ولایات بحث میشد، جواب یا عکس العمل نقیض از مردم روستائی دیده میشد.⁴¹ یک کمپاین سم پاشی کوکنار با مواد کیمیایی که بطور خاص بحیث یک عمل دشمنی آمیز در مقابل مردم که نه تنها نباتات را مورد هدف قرار میداد، درک میشد. در حقیقت، بسیاری مردم به این عقیده بودند که سم پاشی شاید در عدم موفقیت و امراض نباتی محصولات و شاید هم سبب مرگ و میر حیوانات اهلی و مردم گردد. اینکه این ترس و بیم دریافت شد یا خیر، حقیقت این است که این سم پاشی بصورت عموم در جاهائیکه به کشت گندم متمرکز میباشد، استعمال میشود در حالیکه این معلومات در مناطق که کوکنار در آن به صورت فشرده کشت میشود محدود است.⁴² که این فهم قابل ملاحظه عدم دانائی کسانیکه از این مفاد بدست خواهند آورد، را نشان میدهد. در یک محیط که درجه مرگ و میر و گسترش امراض شیرخواران و کودکان بلند است، جائیکه ناکامی کشت عام است، در آنجا نفوس روستائی تحت فشار قابل ملاحظه به سر میبرند، جای شک نیست که این چنین رویدادها توسط شورشیان ضد دولتی در میان مردم ترغیب شود و به تطبیق ریشه کنی از طریق سم پاشی ربط داده شود.

استعمال سم پاشی جهت از بین بردن کوکنار برای شورشیان زمینه موفقیت پروپاگندای بزرگ را مساعد میسازد. بسیار جوامع که در جنوب و شرق زندگی میکنند طالبان را فعالانه حمایت نمیکند، بلکه رشد افزایش نگرانی در مردم این است که دولت نمیتواند حتی امنیت فزینی آنها را تضمین کند - حکومت یک فعالیت مرکزی قانونی و موفقیت آمیز ندارد. آنها نمیخواهند به "امارات اسلامی افغانستان" برگردند لیکن با کشته و یا زخمی شدن افراد ملکی، درک سطوح فساد غیر بی سابقه، و نگرانی های عدم

کن ساختن فقط متوجه آسیب دیدگان است و از حاصلات کسانیکه در قدرت هستند چشم پوشی میگردد.³⁶ در بعضی ساحات، این نظریات باعث تقسیمات نفوس گردیده که بعضی ها میخواهند از حمایت دولت دست بگیرند و گروه دیگر این نظر را رد میکنند. در اکثر جاهائیکه محو کشت کوکنار و تمرینات صورت گرفته، شواهد نشان میدهد که دهاقین بشکل فعالانه سعی میکنند تا در مقابل دولت قرار گیرند و به عوض آن حمایت شورشی را بدست آورند. ناامنی در ولایت ننگرهار به پیمانها وسیع میتواند به تحریم جلوگیری کشت کوکنار در سال 1384 و 1385 توصیف گردد و همچنان از بین بردن آن در سال 1386.³⁷

طالبان و دیگر قوت های ضد دولتی معلوم میشوند که از این روش استفاده کرده اند. در مغایرت با دهه 1370 وقتیکه طالبان یک محیط سازگار را برای کشت کوکنار و تجارت آن ایجاد کردند مگر آنرا ترقی نمیدادند.³⁸ در سالهای 1385 و 1386 طالبان سریحاً کشت کوکنار را تشویق میکردند.³⁹ در حالیکه بعضی ادعاها میگویند که این تشویق برای زمینه سازی مالی برای شورش ها بوده است. مفاد بزرگ برای نیرو های ضد دولتی حمایه سیاسی است که از طرف کسانیکه مستقیماً در کشت و قاچاق مواد مخدر دخیل اند بدست میاورند.

در بعضی مناطق، طالبان بدون شک کشت کوکنار را یک وسیله برای صف بندی و بدست آوردن حمایت مردم استفاده میکنند. آنها خود را منجیث حمایت کننده گان از ریشه کنی کوکنار موقف داده اند. حتی اگر این امر ضروری بوده یا عملی شده باشد.⁴⁰ بسیار ممکن است که استراتژی تشویق کشت کوکنار آنها جهت تحریک کردن دولت است تا استراتژی

³⁶ ویلیام بایرد و دوریس بدینگرگ (ادس)، صنعت مواد مخدر افغانستان: ساختار، فعالیت، تحریکها و لزوم برای پالیسی مبارزه علیه مواد مخدر، کابل: دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم/بانک جهانی، سال 2006 میلادی، ص. 20. دیود مینسفیلد سال 1386 ه، ش، "انسوی جدول": دانستن معیشت روستائی خانواده هایکه کوکنار کشت میکنند در موسم زرع سال 1386. کابل: واحد اداری مواد مخدر افغان حکومت انگلستان، ماه می سال 1386 ه، ش. مینسفیلد دیود (1385). "سناسانی کردن سایه خاکستری": یک ارزیابی عوامل که تصمیم گیری کشت کوکنار را در سال 1385/1384 متاثر میسازد." گزارش واحد اداری مواد مخدر افغان حکومت انگلستان (فبروری)."

³⁷ کار ساحوی در ولایت ننگرهار در سال 1386 که توسط دیوید مینسفیلد براه انداخته شد (گزارش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بزودی نشر خواهد شد).

³⁸ در دهه 1370 حکومت طالبان یک سطح امنیتی را تأمین کردند که تجارت مواد مخدر را رونق بخشید. در عین زمان تاثیر بحران و کمبود سرمایه گذاری عامه و سکتور خصوصی راههای کمی برای کشت کوکنار فراهم کرد. ناگفته نماند که عناصر طالبان در تجارت مواد مخدر دخیل نبودند لیکن یک پالیسی سازگار ملی وجود نداشت که بالای اقتصاد کوکنار تطبیق شود الی اعلام تحریم کشت کوکنار طالبان در ماه جولای سال 1379. اثر دیود مینسفیلد، تحریکهای تجارت کوکنار در مزارع و استراتژیهای تاجران کوکنار، اسلام آباد: دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم، سال 1369.

³⁹ دیود مینسفیلد سال 1386.

⁴⁰ دیود مینسفیلد سال 1386.

⁴¹ دیود مینسفیلد سال 1386، ص. 44-45.

⁴² از عملی که برای از بین بردن علف ها و گیاهان بکار میرود استفاده میشود البته بطورخاص در جاهائیکه زمینداری بزرگتر با کشت وسیع گندم وجود داشته باشد. این از بین بردن علف ها و گیاهان اضافی جهت کنترل بهتر رشد و دوران محصول استفاده میشود. در شرق در ولسوالیهای بهسود، سرخورد، و کامه در ولایت ننگرهار و قرغه ئی در ولایت لغمان خواهد بود. در ولسوالیهایکه زمینداری کوچکتر میباشد، در آنجا کشت گندم به وسعت کوچکتر و مالدارانی وجود دارد که در این مناطق از سم پاشی استفاده نمیشود زیرا از گیاه و علف اضافی غرض تغذیه حیوانات اهلی استفاده میشود. به اساس کار ساحوی توسط دیوید مینسفیلد در ولایت ننگرهار در سال 1386 (گزارش واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بزودی نشر خواهد گردید).

کمپاین شدید که سم پاشی را با خود دارد بی شک خسارات بیشتر خواهد داشت هر چند اعتماد که مردم نسبت به دولت دارند از بین خواهد رفت. در حالیکه ادعا های شورش شکنی جهت حمایت ریشه کنی به میان می آید، تاریخ نشان میدهد که عملیات ضد شورش به حمایت مردم منطقه نیاز دارد تا شورشیان را در حاشیه قرار دهند - و استعمال سم پاشی باعث میشود تا این دو گروه بیشتر به هم دیگر نزدیک شوند.

موجودیت جوامع بین المللی در افغانستان تا منافع حیاتی مردم را حفظ کنند، دلسرد و ناامید شده اند.

مردم در بسیاری مناطق وادار میشوند تا از امید های که دولت امنیت، حکومتداری و رشد اقتصاد که برای رفاه مردم ضروری است خواهد آورد، منحرف شوند در حالیکه مردم نیز میدانند که دولت ضعیف و فاسد است و در بعضی مناطق نمیتواند این مقاصد را حاصل کند. در این زمینه، یک

4. تاثیرات بر پالیسی

بازار کار دسترسی دارند، و جاییکه حد اقل نیرو امنیتی و حکومت موجود است، موفقانه تطبیق گردد. درین مناطق، امکان گسترده در عرصه تغییر سیستمهای کشتزار و تبدیلی کمیت بلند تولید باغداری وجود دارد. تحت این شرایط، تاجران سبزیجات علاقه دارند تا مانند کوکنار پیش پرداخت عرضه کنند، محصولات را در مزارع خریداری کنند و مصارف ترانسپورتی را نیز بدوش بگیرند. در چنین مناطق، دهاقین فرصتهای مزد کار را با محصولات تجارتي و تولیدات مالداري یکجا کرده اند، که ممکن معادل محصول کوکنار را به خانواده ها فراهم کند. چنین تغییرات ممکن مساعدت به بازیگران غیر دولتی و اجاره - جوئی از نمایندگان دولتی که در کاهش ناامنی همکاری میکنند، را کاهش دهد.

این نیز واضح است، گرچه اقدام کاهش در کشت کوکنار با تغییر وقت و موقعیت یکسان نخواهد بود. کسانیکه کوکنار کشت میکنند از یک گروه متجانس نیستند، لیکن از لحاظ دسترسی شان به وسایل و سطح وابستگی شان به کشت کوکنار تا ضروریات اولیه شانرا برآورده سازند، فرق میکند. طبیعت و اثرات " رژیم امنیتی غیررسمی " بسیار متنوع در مقایسه بین مناطق مختلف در ولایت بلخ یا بین ولسوالی های بهارک و جرم در ولایت بدخشان، بطور مساوی تصدیق میکند.

مرحله بیرون رفت از کشت کوکنار در بسیاری مناطق قابل دسترس با مناطق بسیار دور دست جاییکه وسایل مناسب زراعتی و فعالیت بازار کار نا مکمل، وسایل طبیعی محدود مانند زمین و آب، پیوسته با سرکهای خراب و مصارف بلند ترانسپورتی که از تغییر تولید تجاری سبزیجات جلوگیری میکند، تفاوت دارد. ناامنی و وجود حکومت ضعیف از رشد اقتصاد قانونی جلوگیری میکند. اکثر اوقات، منافع سیاسی و مالی قانون شکنان منطقوی سطح بلند وابستگی به تولید کوکنار را بدتر میسازد و از تغییر متداوم راه های اقتصادی قانونی خانواده ها جلوگیری میکنند.

مبارزات مقامات منطقوی و مرکزی تا کشت کوکنار را صریحاً کاهش دهند اکثراً با بدبینی و قهر دیده شده، و میتواند به مثابه یک تلاش وسیع قوماندانان منطقوی جهت تقویت کنترل سیاسی و اقتصادی ایشان دیده شود. این جد و جهد نیز میتواند بالای اقتصاد مشروع ذریعه کاهش دادن عواید قابل مصرف و متعاقباً فروشات و فرصتهای کاریابی و ضعیف ساختن روابط بین دولت و جوامع منطقه برای آینده، تاثیر بگذارد. در مناطق که این شرایط قابل دسترس است، محو کوکنار شاید وقت زیاد را دربر گیرد، الی یک نسل! هیچ راه کوتاه وجود ندارد، و تحمیل فوری شاید به رضایت نفوس روستائی گران تمام شود و شاید اساس امیدواری های کم کردن حکومت غیر رسمی و تاریک که خصوصیات افغانستان امروزی را مشخص میسازد، از بین ببرد.

مهم است تا کاهش کشت کوکنار که در افغانستان درک استقامت اجرات در قبال کاهش تغییر ناپذیر در اقتصاد زراعتی خانواده های فقیر با وسایل محدود و دسترسی محدود به منابع میباشد، را شناسائی کرد. برای خانواده هایکه در دره های بالای ولایت ننگرهار یا بدخشان، پائین رودخانه در ولایت بلخ، خانواده های بی زمین در بالای رودخانه در ولایت بلخ یا خانواده های فقیر در ولایت هلمند، هیچ چیز نمیتواند جایگزین عواید کوکنار شود. اگر به ریشه کنی جدی پرداخت این به معنی ضربه زدن مستقیم بالای وسیله زندگی مردم فقیر روستائی که تحت شرایط ذیق ناامنی به سر میبرند، خواهد بود. در عدم موجودیت انتخاب و راه های موفقیت آمیز بیرون رفت از کشت کوکنار، مقاومت یگانه وسیله آنها خواهد بود. این بشکل طبیعی آنها را به کسانیکه آنها را حمایت میکنند، جهت میدهد.

در روشنائی این، احضارات که از جانب دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه مواد مخدر و جرایم و ایالات متحده، حکومت های انگلستان و افغانستان بخاطر افزایش سطح ریشه کنی است باید دقیقاً مد نظر گرفت. مشاجره حقیقی علیه ریشه کنی - به حد کم نیست چرا بالای 95 فیصد جوانب ذیدخل که در اقتصاد کوکنار دست دارند جاییکه 20 فیصد مقدار محصول موجود است و پنج فیصد آن نادیده پنداشته میشود، جاییکه 80 فیصد در جاهای دیگر تولید شده اند تاکید شود و ضرورت به تکرار آن نیست. تاثیر افزایش ریشه کنی و تعدیل ممکن آن به سم پاشی خطر بزرگ برای نگهداری رضایت مردم روستائی است.

بخاطر ادعاهائیکه راجع به وابستگی کوکنار و افراطیت بمیان آمده، باید درنظر گرفت که شیوه خوب شورش شکنی به شناخت و ارج گذاری به "منافع اصلی" اقتصادی و اجتماعی جوامع منطقوی نیاز دارد. فعالیت شورش شکنی باید طرح گردد بدینسان این منافع مذکور را تهدید نمیکند. شیوه خوب شورش شکنی با عملی کردن شیوه خوب مبارزه علیه مواد مخدر سازگار است. بدبختانه شیوه های حقیقی مبارزه علیه مواد مخدر اکثراً بی فایده بوده، که منجر به افزایش تزلزل معیشت میشود. نسبت به اینکه آنرا کاهش بخشد و انگیزه که نه حکومت و نه جوامع بین المللی به منافع اقتصادی و اجتماعی جوامع منطقوی علاقه دارند به تحریک در می آورد.

جای برای آزمایش و عملی ساختن کاهش کشت کوکنار وجود دارد، شواهد از ساحه توصیه میکند که کاهش در کشت کوکنار در مدت کم میتواند در مناطقه در مجاورت با مراکز ولایتی قرار دارند، جاییکه بسیاری خانواده ها به وسیله مناسب زراعتی و

5. راه های پیش رو

کشت کوکنار برای بسیاری از خانواده های روستائی یک وسیله کلیدی عرضه میکند که آنها میتوانند آسایش را تحت شرایط فراگیر خطر و ناامنی در افغانستان بدست آورند.

شیوه های مبارزه علیه مواد مخدر وقت و تلاش ریشه کنی را اولویت میدهد و سعی میکند تا روند دهاقین انفرادی را بدون تغییر دادن زمینه که وسیعاً مصمم به اینکه چرا و چگونه دهاقین حرکت میکنند تغییر دهد، که غیر محتمل به دوام و شاید هم بی سود باشد.

توضیحات برای تغییر سطح کشت اکثر اوقات به اساس معلومات ابتدائی ضعیف بوده و تحلیل ضعیف که رابطه با پدیده اصلی آنرا آشفته میسازد و اکثراً توسط حالات مخصوص پالیسی تعین میشوند. پیشبینی ها در اسناد عمده پالیسی راجع به وضعیت فقر و ناامنی، محدود و سطحی میباشد.

تلاشهای گسترده تر نیاز است تا در ساختار دانش آگاهی دلایل بنیادی برای تغییر در سطح کشت کوکنار وسعت داده شود. اینکار باید توسط تجزیه قوی وضعیت چندین - بُعدی احتمال خطر و اینکه چگونه به آن مطابق ولسوالی و ولایت واکنش نشان داد، حمایت شود. این باید با میانه روی معیشت روستائی مساعدت کند تا خانواده هایکه دسترسی محدود به زمین آبی و عواید زراعتی و غیر زراعتی محدود دارند، را بهتر مورد هدف قرار دهد. بدون اینچنین تحلیل ها، شیوه های مبارزه علیه مواد مخدر شاید به مثل باقی ماندن در دام که با نشانه های آن عمل میکند ظاهر شود نسبت به اینکه عوامل آنرا نشاندهی کند.

کاهش یک باری در سطح کشت کوکنار به معنی پایان آن نیست حتی برای پالیسی مبارزه علیه مواد مخدر. از لحاظ تاریخ، این نوع کاهشات کم-عمر ثابت شده اند و بطور خاص زیربناً مبارزه انکشاف که از قبل برای موفق ساختن کاهش متداوم کشت کوکنار لازم است، از بین برده است. اندازه گیری اجراءات برای کنترل مواد مخدر نباید تنها در عرصه کاهش کشت کوکنار دیده شود، ضرورت به تغییرات قابل دید در زمینه که روند افراد را تعین میکند است، قبل از اینکه کدام تغییرات در طراحی کشت وارد گردد و فعالیت های معیشت به موفقیت علامه گذاری شود. ریشه کنی اگر بطور استراتژیکی استفاده شود تاثیر دارد، لیکن عمومیت

دادن به ریشه کنی کار عاقلانه نیست. ریشه کنی میتواند در جاهائیکه قابل بررسی هستند، نقش تجزوی را انجام دهد نسبت به ارزش فرصت احتمالی که با کشت کوکنار وابسته است، که احتمال آن در مناطق که دسترسی

خوب به بازار دارند، بیشتر است. در مناطق که خانواده ها از بدیل رویش کوکنار بی بهره اند، به هرصورت، ریشه کنی احتمال دارد منجر به بحران اقتصادی، ناامنی و نگرانی های سیاسی بیشتر گردد. ریشه کنی دستی با تمام کاستیهایش یگانه راه ایست که تعقیب شود، سم پاشی تهدید نقض یا اظهار قصد حمایت فعالانه گروههای شورشی را از بین میبرد.

انواع دخالت که منجیث پاسخ مشخص به زیان محصول دهاقین طرح میگردد، عوامل تشکیلاتی اصلی و بنیادی که دهاقین را در قسمت اول کشت کوکنار جهت میدهد، مخاطب قرار نمیدهد. آنها مسایل که خطر شدید و ناامنی که در اثر اعمال غیرمسئولانه قدرتمندان رسمی و غیر رسمی و در عدم موجودی فواید عامه بوجود میآید، نشان نمیدهند. در نتیجه، بسیاری مردم دوام کشت کوکنار را مانند احتمال خطر - کوچک در یک خطر بزرگ محیطی، پی میبرند. تغییر دادن این درک در مردم به افزایش دادن خطرات که با کشت کوکنار همواره با تهدید ریشه کنی وابسته است و فراهم نمودن همکاری انکشافی کوتاه مدت نیاز دارد. تغییرات بنیادی بیشتر نیاز است تا کاهش زمینه خطر و ناامنی که فواید عامه را ذریعه تهیه زیربناً فزیکتی و اجتماعی تأمین میکند، و عوامل تشکیلاتی فقر را مانند رشد پیشرفت، به نفع طبقه فقیر در زراعت و سکتور دهاتی غیر زراعتی نشاندهی کند.

یک خطر شدید که دولت افغانستان و جامعه بین المللی دیده میشوند که برای کاهش در ساحات کوکنار به قانون شکنان محلی امتیاز قایل میشوند، در حالیکه در حقیقت این افراد برای تقویت موقف ایشان خود خرید و فروش کوکنار را میکنند. فعالیت خوب را نمیتواند با یک بار کاهش در مناطق کشت کوکنار بطور کافی پیمایش کرد، بلکه باید بطور قسمتی از مرحله وسیع تحول در نتایج پیشرفت، بشمول مبارزه علیه مواد مخدر همانند حکومتداری شفاف و قابل توجیه پنداشت.

اولویت باید به تمامیت پالیسی مبارزه علیه مواد مخدر با تلاش وسیع که هدف اش رشد اقتصادی، امنیت و حکومتداری خوب میباشد، داده شود - اینها اولویت های نفوس روستائی هستند. اقدامات مبارزه علیه مواد مخدر که مشاهده میشود که به تحویل این اولویت ها اعتنا نمیورزند یا از بین میبرند شاید به زودترین فرصت رضایت مردم را از دست بدهد و مخالفت را علیه دولت افزایش بخشد. اقدام ضد - فساد، بشمول محو کرایه - جویان "مالیات" غیررسمی در بندهای تلاشی، وسیله ایست برای رشد حمایت دولت و ممکن ساختن دوام راه بیرون رفت از کشت کوکنار.

شواهد از ساحه نشان میدهد که رشد اقتصاد کوکنار نتیجه - نه عامل - ناکامی دولت و پیشرفت در افغانستان است. حکومت و جامعه بین المللی کوشش میکنند تا دولت را احیا کنند و اساسات دوامدار و پایدار را برای انکشاف فراهم کند، شیوه

های خوب مبارزه علیه مواد مخدر باید با این مبارزات که علایم اقتصادی
کوکنار را نه بلکه عوامل آنرا نشان میدهد، سازگار باشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک موسسه مستقل تحقیقاتی است که مطالعات و تحقیقات قابل تعمیم را انجام داده تا جهت تسهیل پروسه پالیسی سازی و فعالیت های
اجرائیوی مورد استفاده قرار گیرد. علاوهً واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با جدیت بر آن است تا فرهنگ تحقیق را از طریق ارتقای ظرفیت های تحلیلی، ایجاد فرصت ها برای
تحلیل و تجزیه اطلاعات و فضای بحث و گفتگو گسترش دهد. عمده ترین هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست تا در جریان فعالیت هایش، روند زنده گی مردم این
کشور را بهبود بخشد.

برای معلومات بیشتر و حصول نشریات با این موسسه تماس حاصل نمائید:
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، جاده گلروشی (نبش سرک 2)

شهر نو، کابل

areu@areu.org.af

www.areu.org.af

تلیفون: 0799 608 548